



روزنامه
تئاتر ۲۹

روزنامه بیست و نهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر
شماره اول - بهمن ماه ۱۳۸۹

بیست و نهمین
جشنواره بین المللی تئاتر فجر
شکوفا شد

رویش تئاتر
در جغرافیای
ایران زمین

سر مقاله

تئاتر امروز؛ اندیشه فرداست!

محمدحیدری



روزگار ما روزگار پیدایی انسان امروز می آموزد که با پرسش حرکت کند، است. در جامعه معاصر می بایست همواره در نقطه ای قرار بگیریم که با مروری بر گذشته و ایستادن محکم در حال، آینده را از آن خود کنیم. تئاتر به عنوان هنری انسانی، بازگو کننده اعمال بشریت است. هنری است که می تواند در زندگی روزمره نقش تعیین کننده داشته باشد. انسان معاصر می بایست در هیاهوی زندگی شهری و روزمرگی، از اندیشه و تفکری که روابط انسانی به او یادآوری می کند الهام بگیرد و تئاتر این مهم را به ما می آموزاند. یادمان باشد که امروز ما، تفکر و اندیشه فردایمان است. پس تئاتر این نگرش را برایمان به وجود می آورد که باید فکر کرده اندیشیده و این اندیشه را با زندگی روزمره پیوند داد تا راه آینده را هموار سازیم. تئاتر به

بیست و نهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر پیش از آن که شور و هیجان را برای سالن های تئاتری پایتخت به ارمان آورد در قلمرویی به وسعت ایران سر برآورده است. مردم استان های گلستان، گیلان، البرز و خراسان شمالی این بار همراه مرکز نشینان در سایه سار درخت تنومند تئاتر ایران گرد آمدند تا تماشاگر تلاش هنرمندان این مرز و بوم باشند. ایران پهنه گسترده ای است به وسعت یک میلیون و شصند و چهل هشت هزار و صد و نود و پنج کیلومتر مربع؛ گرد آمده از ۳۰ استان که در بطن هریک هنرمندانی خوش ذوق و پر توان سهم خود را برای هنر آفرینی در تئاتر ایران و جهان بدل شود.

صحنه کلان تئاتر کشور جستجو می کنند. استقبال پر شور مخاطبان، مسئولان و هنرمندان تئاتر استان هایی که میزبان فصل آغازین جشنواره تئاتر بیست و نهم بودند، موجد این نکته است که تلاش برای تمرکززدایی از هنر تئاتر و گسترش اقلیم آن در چهارفصل ایران زمین می تواند سرعتی بر شتاب تر از پیش بگیرد و در آیندهای نه چندان دور به توسعه هنر تئاتر در اقصی نقاط ایران منجر شود. قطار بیست و نهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر از ۱۶ بهمن در استان های شمال و شمال شرق ایران به حرکت در آمد و در روز بیست و سوم ماه ۲۱ بهمن ماه پی گرفته شد و تماشاگران وفادار تئاتر در دیگر شهرهای استان های خراسان شمالی، گیلان و گلستان را گرد خود آورد.

رویدادها

جشنواره در یک نگاه

بیست‌ونهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از ۱۶ تا ۲۱ بهمن با **فالیات کارگاه‌های تخصصی و برگزاری همزمان جشنواره در استان‌ها آغاز شد** و از **۲۳ بهمن‌ماه تا اول اسفند** نیز **بخش‌های صحنه‌ای، خیابانی، بین‌الملل و بازار تئاتر برگزار خواهد شد.**

دبیر جشنواره بیست‌ونهم در این باره گفت: برای اولین بار در استان‌های گلستان، خراسان شمالی و البرز از ۱۶ تا ۲۱ بهمن‌ماه شاهد برپایی جشنوارهٔ تئاتر فجر استانی خواهیم بود. «یونیمه» نیز با حضور ۵ نمایش در استان گیلان برگزار می‌شود. به دلیل ازدید برنامه‌های فجر امکان اجرای تمامی بخش‌های جشنواره در ۱۰ روز وجود ندارد بنابراین بخش اول از ۱۶ تا ۲۱ بهمن و بخش دوم از ۲۲ بهمن تا ۱ اسفند برگزار خواهد شد. به گفتهٔ محمد حیدری تعداد آثار رسیده به جشنواره یک‌هزار و بیست‌وسه اثر از ۶۴ شهر کشور بود که در بخش جشنواره؛ ۲۹۴ حضور در جشنواره انتخاب‌شد. در بخش برگزیدگان تئاتر منطق نیز از میان آن‌ها انتخاب شد. در بخش مرور تئاتر ایران که به صورت غیررقابتی برگزار می‌شود ۸۵ اثر به دبیر‌خانه رسید که ۱۸ اثر برای حضور در جشنواره انتخاب‌شد. در بخش برگزیدگان تئاتر منطق نیز از میان آثار ارائه شده ۶۴ نمایش به پنج جشنواره تئاتر منطقه‌ای معرفی شدند که در نهایت ۱۲ اثر از ۱۱ استان کشور به جشنواره راه پیدا کردند. در بخش جشنوارهٔ جشنواره‌های ۱۰۰ نمایش به این بخش راه یافتند که برگزیدگان جشنوارهٔ تئاتر کردی و جشنواره تئاتر جوان نیز در آن حضور خواهند یافت. بخش خیابانی نیز با ۲۵ اثر که شامل؛ برگزیدهٔ پنجمین جشنوارهٔ سراسری تئاتر مروان و بخش ویژهٔ انقلاب اسلامی می‌شود برگزار خواهد شد. در بخش تجربه‌های نو که ماکلا اصلی در انتخاب آثار گرایش‌های آموزشی، تجربی و خلاقیت‌های نوین نمایشی بوده است ۹ نمایش حضور خواهند داشت. حیدری در خصوص بخش تولید متون نمایشی، نمایشنامه‌خوانی، پژوهش و بخش بین‌الملل نیز گفت: هیأت داوران در بخش نمایشنامه‌خوانی و تولید متون، بعداز بررسی ۱۱۷ اثر از ۸۴ نویسنده ۹ اثر را انتخاب کردند. در بخش پژوهش نیز برای اولین بار ۲۵ مقالهٔ خارجی و ۱۷ مقالهٔ ایرانی به جشنواره راه پیدا کردند. همچنین در این دوره ۴ نمایشنامه، همزمان با جشنواره منتشر می‌شود و در ایام برگزاری جشنواره نیز ویژه‌نامه تئاتر فجر در سطح شهر توزیع خواهد شد. مسابقهٔ بین‌الملل این جشنواره نیز با حضور ۸ اثر ایرانی از منتخبان همه بخش‌ها و ۷ اثر خارجی برگزار خواهد شد. امسال ۱۵ گروه خارجی در جشنواره حضور خواهند داشت که از جملهٔ آن‌ها کشورهای المان، ایتالیا، لهستان، کره، چین، یونان، روسیه استونی و خواهند بود.

دبیر بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، بخش مسابقهٔ عکس را شامل دو بخش «مجموعه عکس» و «تک عکس» معرفی کرد که منتخبان آن در روز اختتامیه اعلام خواهند شد. وی در ادامه از برپایی نمایشگاه‌های پوستر و عکس همزمان با جشنواره تئاتر فجر خبر داد. در این بخش نیزاز بین ۲۸۸ پوستر رسیده ۹۰ قطعه پوستر از ۳۸ طراح به مسابقه راه یافتند که ۱۶ طراح از شهرستان و مابقی از تهران بودند. در بخش عکس تئاتر نیز ۵۲ اثر در جشنواره شرکت کردند که در این میان ۱۹۵ قطعه عکس با یک‌دیگر رقابت می‌کنند.

هیات داوران این دوره از جشنواره عبارتند از؛ لامبروس لیلولاس، روس ماسسون، اندره اپورچو، مسعود ریاگان و سعید کشن‌فلاح که آثار شرکت‌کننده در بخش مسابقهٔ بین‌الملل را داوری خواهند کرد. در بخش مسابقهٔ بین‌الملل ۱۰ نمایش ایرانی در کنار ۷ نمایش خارجی داوری خواهند شد که از میان نمایش‌های ایرانی می‌توان به آثاری همچون «کسوف» به کارگردانی ایوب آقاخانلی، «عجایب الخلودفت» به کارگردانی رضا توتوی، «رول‌عالی» به کارگردانی محمدرضا خاکی، «لانه شغال» به کارگردانی رضا صابری، «فروش» به روح سرکش ...» به کارگردانی ابراهیم پشت‌کوهی، «خانه بزانژاداندی» به کارگردانی زهرا صبری، «چیره بندلی» به خروس» به کارگردانی علی ترگی‌نژاد، «برهای پشت‌جنجره» به کارگردانی رضا گوران، «هن، هملت تو» به کارگردانی فرزین ریحانی‌راد و «نامه‌های به تب» به کارگردانی سیمک احمایی اشاره کرد.

پیام‌مدیر کل هنرهای نمایشی به جشنواره بیست‌ونهم

حالا دیگر بیست و نساله‌ها جزو تماشاگران و مخاطبان پرواقصر جشنواره شده‌اند. یعنی یابندین‌شینیمنیوبرای فرزندنامن پای‌صحنه، تاریخ این سال‌ها مرور کنیم؟
احزمت نگه دار دل‌ها! این اشکیا خونیه‌های عمر رفته‌ی من است؟
نهیب می‌زند این جمله مدام برای نوشته شدن.
جشنواره فجر سالهای شصت لای بمباران شهرها قصر شیرین، مروان، کوه‌دشت‌هاوار، بلندختر، حلبچه، تهران، سرپل ذهاب، چگونته تئاترها درست می‌شد توی آن شرایط؟
اومی پرسد حالا که به ذوق آمده من هم سر حرف رامی گیرم ...
آره! بعد جشنواره بین‌المللی شد...
گفتم وسط یکی از اجراها!... همه خیال کرده بودن داره بازی می‌کنه...
تا رسوندشش بیمارستان بدنش سرد شده‌بود. جای این سالن کنفرانس! تالار کوچ‌کج‌شماره دو بود. کنایه‌ام، جشنواره از کی بین‌المللی شد؟...
خب جشنواره‌های مناطق اینجوری نبود از اول...
خیمه می‌زد وسط سالن تمرین و یه پر خیارشور می‌ذاشت لای یه ورق کالباس و می‌پچید به نون لواش و می‌داد دست تک تک بازیگرها و می‌گفت بسم‌الله. تا خود صبح دگرمی بستند...
اسمش یادت نیومده؟
او می‌پرسد... می‌رفت و می‌آمد به همه سلام می‌کرد، نه یادم نیست، خیلی سال گذشته دیگه ... تا خود صبح...
یه روزنامه پهن میکرد اون گوشه‌ی سن، قامت می‌بست و نماز صبح‌اش رو هم، هومنجا می‌خوند...
اها هم وضو سر شپ...
تاصبح...
تفکیک معنای تئاتر و او برای ما میسر نبود و او همه چیزمان بود و تئاتر همه چیز ما ...
خودم هم دلم تنگی می‌شود برای تاصبح دیدار ماندن توی سالنهای تمرین آن سال‌ها.

حق با چشمهای سرزنش گر اوست، خیلی زود نیست برای باز‌نشستگی و گفتن این حرف‌ها؟!
لطف امروز را هم ببین! راست می‌گوید:
میان این جمعیت میهمان و میزبان جشنواره فجر باید خودت را گم کنی و دل به دریا دلی‌اشان بسیاری.
تماشاگرانی که برای نخستین بار به تئاتر آمده‌اند، صف بلیط، نقشه کشیدن و زمان‌بندی ده روزه از روی برنامه‌ی جشنواره، به اجرای اول نویسین و دنبال بلیط اجرای دوم گشتن! غوغای غروب حوالی تئاتر شهر، سلام احوال‌پرسی کنار اجرای بار کینگ تالار وحدت، بروشور به دست دودین از این سالان به آن سالن، پیردن انگشتان دنبال خطوط نشر یه‌ی روزانه، با ایما و اشاره دست و پا زدن در جواب سوال Can you speak English؟، تذکر متصدیان سالن‌ها برای مه‌پراتر نت نشستن...
همه‌ی اینها برای آن اتفاق بزرگ!
غرق روی پیشانی همکاران خشک نمی‌شود میان دودین‌های این ده روز، همه‌ی دوند تا کاری را پیش ببرند، ووباد بزرگ سال تئاتر ایران!
هدیه‌ی تولد، بیست و نه سالگی‌اش را ورق می‌زند و تشکر می‌کند و گام‌های رو به جلویی که بر می‌دارد مرآهم به دودین وامی‌دارد!
می‌خواهم کنارش بدم! کنار این بیست و نه سالگی!
امروز که جشنواره آغاز شده سلام می‌کنم به همه‌ی گروه‌هایی که تاصبح تمرین کردند و نخواستید برای اجرای امروز عصر، به همه‌ی گروه‌هایی که به جشنواره نرسیدند و نامشان در فهرست نتایج نهایی نیامد، به بیت‌میزن‌های تاصبح، آن قلمی که از نمایشنامه‌نوشتن باز نمی‌ایستاد و تمرین طاق‌ت فرسای بازیگران، به نیت نور صحنه وقتی که روشن می‌شود، سالن‌هایی که به دستهای با ذوق گروه‌های تئاتری از تبدیل فلان انباری ساخته شدند، به اولین تجربه‌های تئاتری، به یاد آن نام عزیز و قطره، قطره‌های وضو پیش از تئاتر که از دست‌شش می‌چکید، برای قرین مرحت شدن همه‌ی رفتگان و ماندگان و آیندگان می‌خوانم این کلام نورانی را:
به نام خداوند بخشا‌شگر مهربان...
در شب فرشتگان و ارواح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری که مقرر شده است فرود می‌آیند.
آن شب تا دم صبح درود و سلام است تلاطمی خنّی مطلع القمّز.

حسین مسافر استانه

پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به جشنواره بیست و نهم

تازک تن ایام چون به زمستان خاطره می‌رسد، می‌لرزد!
تب می‌کند!
منقلب می‌شود!
اما نه از سرمای پرمسوز اضطراب، که از یاد دل افروز انقلاب!
چرا که اگر در آن شب‌های ظلمت گریز، نفتی در چراغ‌ها نبود، ماه از نور دریغ نمی‌کرد در روزهای بهاری اش، خورشید از رفتن به زیر ابرها با داشت و زاویه اش را به روی درجه‌ای می‌گذاشت که از تابشش، تن‌های خن زده، احساس گرم‌ای کردند.

و هنر، کرامتش در واگویی این قصه‌های همیشه ماندگار است، رهبر فرانته عزیزمان فرمود:
تئاتر در جمهوری اسلامی، اصالت و الای خود را در بیان درها و بازگویی قصه مظلومیت بشریت دریند، می‌یابد.
و هنر تئاتر، کرامت زعامت کاروان روایان و نفلان آن عبور پر عبّور و آن‌گرفته‌های پرخطر، تا حمله رزّه‌بان و حرامیان و آن دفاع مقدس جالانه تا رسیدن به دشت عزت و آزادیگی کنون!
و توسعه و پیشرفت تا همیشه!
را بر دوش می‌کشد!
دانایی، مالکیت هیچ قومی را بر نمی‌تابد؛
حاصل جوهر بشریت است و هنر که عصارهٔ دانایی است مدیون کارگاه عشاری هیچ طایفه‌ای به تنهایی نیست.
ترکیبی از اکسیر خلائات‌ها از تمامی قومیت‌هاست.
اثیری است که چون اسیر تقلید شد، اش را به روی خیر و شرا پوش است که اقتضای کسوتش، در تراژوی نگاه ما، قیمت گذاری می‌شود.

تئاتر صیقلی ترین آینهٔ بازتاب جامعه می تواند باشد اگر سازش ناکوک نباشد و آنچه می نوازذ ازقطعه دیگری نگرفته باشد!
در دستگاه نوا اگر می نوازذ از نیوانیان و بیونیان خارج نشود!
که گاه چون کوشک به هم می خورد در مایه بی دردی، خوش می نوازذ و این آغاز انحراف و انحطاط است.

مسئولین هنرهای نمایشی لازم است نت خوینی بداندند و پارتیتورا با فقیلا بخوانند، آب رفته را اگر نمی توان به جوی بازآورد
اپروی رفته را به طریق اولی!

هنر ای دردی، به درد نمی خورد!
او تئاتر درد جامعه را در گرم ترین فضای ارتباطی ممکن، چهره در چهره، رو در رو، مو به مو می تواند به مخاطبش حتی بی گفت و گو انتقال دهد.

مرد را دردی اگر باشد خوش است

درد بی دردی علاجش آتش است

و دهه فجر در این هزار تو آینه، فرصت تکثیر یاد آثانی است که گرچه از خود جدا گشتند و از تن خاکی رها!
لیک عکس خود را از آینه نستاندند و برای آنان که ماندند تصویری برجای گذاشتند.

چه خوب است متولیان تئاتر، بدین هنر تاسی جویند.
هنری که شعیده برنمی تابد، همان است که دیده می شود، پس تئاتر را تصویرگردان جامعه قرار دهند.
جامعه ای که امروز سردمدار عزت و عظمت است.

ز نفسی ما، من، اثبات وحدت کرد!
گاهی حبایی چند از خود رفت بیرون، ریخت دریای برای آثانی که در کشپین طناب بادبانهای کشنی تئاتر، دستنی پینه بسته دارند و برای رسیدن به بارانند!
معرفت، همت می گمارند!
آرزوی سعادت دارم.
توفیق!
رفیق
طریق عزت و اعتبار و تلاشتان باد.

سیدمحمدحسینی



رویش تئاتر در جغرافیای ایران زمین

تصریح کرد: حتی در قرآن نیز با استفاده از داستان‌های جذاب و زبان هنرمندانه واقعیت‌های زندگی بازگو می‌شود.
از شهزاده و پادشاهان و قبیله‌های زندق بازگو می‌شود.
در ادامه افزود: برگزاری جشنواره تئاتر فجر در این استان را باید به فال نیک گرفت چرا که می‌تواند عاملی برای پیدری استعدادها و کمک به پرورش افراد علاقمند به این حیطه باشد.
وی به وفاد مسئولان برای ساخت پردیس تئاتر و سالن‌های نمایش در خراسان شمالی اشاره کرد و خاطر نشان ساخت با پیگیری مسئولان و همکاری نمایندگان این استان امیدواریم بتوانیم امکاناتی برای گسترش این هنر در منطقه فراهم کنیم.
موسی‌الرضا ثروتی، دیگر نمایندهٔ مردم بجنود، ماهه و سملقان، گرمه و جاجرم در مجلس شورای اسلامی نیز در مراسم افتتاح بخش استانی جشنوارهٔ بین‌المللی تئاتر فجر در خراسان شمالی گفت: اگر قرار است در هر زمینه رشد پیدا کنیم باید فرهنگ جامعه را ارتقا دهیم که با استفاده از هنر توسط هنرمندان می‌توانیم زیبایی‌های جامعه و انقلاب را نشان دهیم. ثروتی بهترین قالب برای بیان زیبایی‌ها را تئاتر و سینما برشمرد و «عقوب‌مدیق محالی» دیگر کارگردان حاضر در بخش تئاتر

رضوی نشان داد که مردم ما، تئاتر دوست هستند و بجنود یکی از شهزاده‌های صاحب استعداد در این عرصه به شمار می‌رود. وی در ادامه افزود: برگزاری جشنواره تئاتر فجر در این استان را باید به فال نیک گرفت چرا که می‌تواند عاملی برای پیدری استعدادها و کمک به پرورش افراد علاقمند به این حیطه باشد.
وی به وفاد مسئولان برای ساخت پردیس تئاتر و سالن‌های نمایش در خراسان شمالی اشاره کرد و خاطر نشان ساخت با پیگیری مسئولان و همکاری نمایندگان این استان امیدواریم بتوانیم امکاناتی برای گسترش این هنر در منطقه فراهم کنیم.
موسی‌الرضا ثروتی، دیگر نمایندهٔ مردم بجنود، ماهه و سملقان، گرمه و جاجرم در مجلس شورای اسلامی نیز در مراسم افتتاح بخش استانی جشنوارهٔ بین‌المللی تئاتر فجر در خراسان شمالی گفت: اگر قرار است در هر زمینه رشد پیدا کنیم باید فرهنگ جامعه را ارتقا دهیم که با استفاده از هنر توسط هنرمندان می‌توانیم زیبایی‌های جامعه و انقلاب را نشان دهیم. ثروتی بهترین قالب برای بیان زیبایی‌ها را تئاتر و سینما برشمرد و «عقوب‌مدیق محالی» دیگر کارگردان حاضر در بخش تئاتر



■ **تئاتر برای همه؛ این شعار هوشمندانه که چندسالی است بر پیشانی مهم‌ترین جشنوارهٔ تئاتری ایران نقش بسته است، بیان گر خواست و ارادهٔ جدی مدیران برای بردن تئاتر در میان مردم و یا گرد آوردن تمامی گروه‌ها و طبقات اجتماعی حول محور تئاتری است که بتواند مخاطبانی از هر دسته و گروه را به خود جذب کند. جشنواره ی تئاتر فجر در دوره های اخیر، هربار ظرفیت تازه‌ای از این شعار را به عمل در آورده است. آیا این روند امسال با میزبانی مشترک استان های گلستان، گیلان، خراسان شمالی و تهران پی گیری شده‌است؟**

به قول اهل فلسفه این دو؛نسبت‌شان عموم و خصوص مطلق است. یعنی؛ ما هرچه در حوزهٔ تئاتر شهرستان می‌بینیم کمک می‌کند تا در زمینهٔ عملی شدن شعار «تئاتر برای همه» یک گام جلو برویم. امروز که میوهٔ تئاتر شهرستان را می‌چینیم به خاطر نگاه و اندیشهٔ صحیح «تئاتر برای همه» است. این در حالی است که بعضی معتقدند تئاتر، مخاطب خاص دارد و اهالی تئاتر باید بیش‌تر با این هنسار تباط برقرار کنند و تگله‌های دیگری در همین راستا؛ که من آن‌ها را مردود می‌دانم. به نظر من هنر به معنای این نیست که ما برای هنرمندان تئاتر، تئاتر ویژه نمی‌خواهیم. به نظر من هر فرد در کشور به تئاتر و نمایش نیاز دارد. اتفاقی که امروزه در حوزهٔ تئاتر شهرستان در حال روی دادن است، محصول همین اندیشه است؛ که باید سهم بیش‌تری برای مخاطب تئاتر شهرستان در نظر بگیریم. در زمینهٔ تولید آثار، توسط هنرمندان شهرستان نیز به همین گونه است. آن‌چه امروز می‌بینیم حمایت‌از این نگاه‌است و نتیجهٔ این بوده که توانسته‌ایم انگیزهٔ بیش‌تری در هنرمندان و مخاطبان داشته‌ام همواره تلاش کرده‌ام. در وهلهٔ نخست با برانگیختن اندیشه‌ها و سلايق، حضور بیش‌تری را شاهد باشیم. شاید این امر به تولید بیشتری نینجامیده باشد ولی؛ به بروز داشته‌های نه‌پایده شدهٔ تئاتر شهرستان منجر شده است. آن‌ها ر آن‌چه

در چننه داشتند رو کردند و سهم بیش‌تری هم گرفتند. ۵۴ اثر از شهرستان‌ها به جشنوارهٔ امسال راه پیدا کرده است. ما از این طریق به ظرفیت گروه‌های تئاتری خارج از تهران پی‌برديم. هر اثر که با نگاه رقابتي به سمت جشنواره نیل کرد و در پله‌هایی موفق شد اما؛ به این پایان نرسید، به عهده‌ماست که در سال ۹۰ یارانهٔ حمایتی به آن‌ها بدهیم و برای اجرا، در شهرستان های خودشان یا شهری دیگر، از آنها حمایت کنیم. ■ **آیا ما در شهرستان ها سالن استاندارد به اندازهٔ کافی داریم؟ فکر نمی‌کنید گام مهم‌تر ساخت سالن یا تجهیز سالن‌ها و استاندارد سازی آنها باشد؟**

بله- ما سالن استاندارد در شهرستان‌ها بسیار کم داریم و آن تعدادی را هم که فکر می‌کنیم مناسب اجرا است استاندارد نیست. اما مشکل امروز تئاتر، سالن نیست؛ بلکه مشکل اصلی عدم ارتباط تولید کننده اثر با مخاطب است. از طرف دیگر از ظرفیت موجود سالن‌های استانی می‌توان استفاده کرد. ما باید از این امکانی که داریم بهره‌داری بیش‌تری کنیم. حتی یک سالن هم اگر در مرکز استان وجود داشته باشد که صحنه و نورپردازی خوبی داشته باشد، باید خدماتش را تقویت کنیم تا آثار تئاتری در آن جا اجرا شود. این اتفاق نیفتاده است و لذا هرگز هم این اتفاق در ایران نخواهد افتاد که به تعداد مورد نیاز سالن استاندارد با همهٔ تجهیزات داشته باشیم و بعد دنبال اجرا و مخاطب بگردیم. ما مدیریت منابع موجود را به عهده داریم و یکی از این منابع مهم نیروی انسانی است. اگر سرمایه‌نیروی انسانی ما به کار گرفته شود خواهیم دید مثل همه جای دنیا در یک آپارتمان هم می‌شود تئاتر اجرا کرد و مردم به تماشایش بروند. اول باید رابطهٔ عمیق عرضه و تقاضا شکل بگیرد. ایجاد این رابطه مستلزم ارتباط دو سویه است؛ نیاز مخاطب، از تباط تولید کننده ر مخاطب، انگیزهٔ تولید کننده و... حالا که ما داریم به این‌ها توجه می‌کنیم، باید به تئاتر شهرستان هم فکر کنیم. امیدواریم در سال ۹۰ هم نسبت به بهبود این وضعیت گام موثری برداریم. اگر ما



گفت‌وگو با حمید شاه آبادی
معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ایرانی فکر کنیم، ایرانی بنویسیم ایرانی خلق کنیم

آزاده‌سهرابی

آزاده‌سهرابی

بتوانیم سالن‌های چند منظورهٔ موجود در سراسر کشور را از حیث امکاناتی چون نور و صدا تغذیه کنیم، اتفاق‌های خوبی در تئاتر شهرستان خواهد افتاد. ■ **به درستی به مشکل مخاطب در تئاتر ما اشاره کردید. می‌خواهم نظر تان را بطور صریح بدانم. فکر می‌کنید این عدم ارتباط به هنرمندان ما برمی‌گردد، که نیاز مخاطب را نمی‌شناسند، یا واقعا طی این سال‌ها کم‌کاری‌هایی در حوزهٔ سیاست‌گذاری یا به‌ویژه موضوع تشویق مخاطب صورت گرفته‌است؟**

هر طرف که مقصر اصلی باشد، طرف دیگر هم نمی‌تواند اعلام برائت کند. علاوه بر این که تماشاگر اصلا مقصر نیست. مدیران و هنرمندان در برابر هم نیستند، بلکه هر دو این‌ها دور یک میز نشسته‌اند. اگر بخواهیم بین هنرمندان و مدیران دنبال مقصر بگردیم باید این گونه بگوییم که اگر مدیران تصمیم دارند، هنرمندان هم کوتاهی کرده‌اند؛ پس این گونه دعوا حل نمی‌شود. بلکه نگاه در این حوزه، واحد نیست. دلیل عدم واحد بودن نگاه این است که سفرهٔ تئاتر را کوچک دیدیم و این ویژگی به‌خاطر تنوع ژانر است. اول گفتیم تئاتر یک چیز است و نمایش یک چیز دیگر و بعد گفتیم تئاتر یعنی آن سبک غربی خودش و نگاه اعتراضی روشنفکرانه. خوب این‌با عموم مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کند. با آدم‌اندیشمند و دانشجویی هم رشتن ارتباط برقرار نمی‌کند. البته این نوع از تئاتر باید باشد و اتفاقا این بخش از تئاتر سهم خود را از تئاتر گرفته است. مثلا بوجه تئاتر فلاں مقدار است و سهم واقعی آن یک‌دهم این مقدار است. حتی شاید ۹ دهم را گرفته و بچنی

و نمایش یک چیز دیگر و بعد گفتیم

تئاتر یعنی آن سبک غربی خودش و نگاه اعتراضی روشنفکرانه. خوب این‌با عموم مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کند. با آدم‌اندیشمند

و دانشجویی هم رشتن ارتباط برقرار نمی‌کند. البته این نوع از تئاتر باید باشد و اتفاقا این بخش از تئاتر سهم خود را از تئاتر گرفته است. مثلا بوجه تئاتر فلاں مقدار است و سهم واقعی آن یک‌دهم این مقدار است. حتی شاید ۹ دهم را گرفته و بچنی

درست کند و گروه‌ها را راه بیندازد. فرض ما این است که یک گروه تئاتری که از صبح تا شب به تئاتر اشتغال دارد می‌تواند در سال ۱۵۰ اجرا روی صحنه ببرد. این اعداد را تقسیم کنید تا ببینید ما به چند گروه تئاتری نیاز داریم؟ شما ببینید چطور می‌شود به دانش‌آموز، نقاشی نشان ندهیم و بعد به او آثار پیکاسو را نشان بدهیم. ما مقدر در این حوزه‌ها کار کردیم؟ تئاتر برای همه یک مانیفیست است که بنده به آن اعتقاد دارم. راه رسیدن به آن ایجاد ظرفیت‌های متفاوت و درک سلیقه‌های متفاوت است. درک سلیقه‌ها هم این گونه به وجود می‌آید که مدام هنرمند تولید کند و در برخورد با انواع مخاطب به درک مشترک برسد. طی این سال‌ها ما یک سبک معین را ارائه دادیم و مخاطبش هم فقط دانش‌جوها بودند. ما دنبال حذف این تئاتر نیستیم اما فکر کنید بچهٔ شما ۱۵ ساله است. کجا، در این تهرانی که تمامی امکانات وجود دارد می‌تواند یک تئاتر مناسب خود پیدا کند؟ جان کلام من این است که همیشه حرکت از سمت من مدیر و هنرمند به سمت مخاطب است. حالا باید کمی حرکت از سوی مخاطب باشد و نترسیم که مخاطب به این سمت بیاید.

■ **جناب آقای شاه آبادی شما به استقرار گروه‌ها اشاره کردید. چگونه می‌خواهید به این مسئله مهم صورت دهید؟**

ما قائل به این نیستیم که سالن‌ها را به گروه‌های تئاتری واگذار کنیم. هدف ما استقرار گروه‌های تئاتری در سالن‌هایی است که در نقاط گوناگون شهر برانگنده‌است. سالن‌هایی که هر یک در اختیار یک‌ران است. ما از استقرار گروه‌ها در چنین سالن‌هایی حمایت می‌کنیم. الان در شهرستان‌ها به جز مراکز استان‌ها که سالن‌های محدودی در اختیار دارند می‌توان این کار را کرد. همین الان ۲۵ گروه تئاتری در خرم آباد بر اساس آیین‌نامهٔ استقرار گروه‌ها شکل گرفته است. این ۲۵ گروه ضوابط ما را پذیرفته‌اند و آثار استاندارد ی راهم روی صحنه برده‌اند. ما به آن‌ها هزینه می‌دهیم. البته بعد از ارزیابی‌های دقیق و مشخصی که در این مورد صورت خواهد گرفت. گروه‌های دیگر هم همان حمایت‌های استانی خود را دارند و می‌توانند اجراهای خود را داشته باشند. این گروه‌ها موظف هستند در سال، حداقل یک نمایش را ۱۰ اجرا، یک عمومی داشته باشند. در گام اول به همین راضی هستیم. اگر این روند ادامه پیدا کند، سال آینده ۱۰ اجرا می‌شود. ۲۰ اجرا، هر وقت هم یک نمایش بشود سالی ۲۰ اجرا، ما به ایده‌آل خود رسیدیم.

■ **در مورد تهران چطور؟**

به جز شهر تهران این کار در کل کشور عملیاتی است و در حال اجراست. تا این لحظه ۱۰ گروه در حال دریافت پروانهٔ موقت نمایش و دریافت کمک اولیه هستند و تا اسفندماه امیدواریم استان‌هایی که گروه‌های خود را معرفی کردند کارشان تمام شود. بقیه شهرستان‌های استان تهران هم در این طرح جا می‌گیرند و این کل سرسید ظرفیت تئاتر ایران است. البته سالن اصلی استان‌ها در اختیار گروه‌های حرفه‌ای استان هاست که یک فرآیند دیگری را طی می‌کنند. هر استان یک یا دو گروه خیلی حرفه‌ای دارد که در این قاعده نمی‌آید و جداگانه حمایت می‌شود. این می‌شود «تئاتر برای همه».

■ **سخت نبود استان‌ها را درگیر جشنواره تئاتر کردید؟** اینکه جشنوارهٔ تئاتر به استان‌ها وارد شود مستلزم این بود که همین گروهی که قرار است در محدودهٔ زمانی ۲۲ بهمن تا ۱ اسفند در تهران اجرا داشته باشد، حالا باید به شهرستان برود و بعد دکورش را جمع کند و بیاید تهران.

■ **به عنوان پرسش یا پانی در مورد نحوهٔ انتخاب و وضعیت آثار نمایشی در بخش بین الملل توضیح بفرماید**

مردم فرصت خوبی دارند در این جشنواره نسبت تئاتر ایران با تئاتر جهان را ببینند. ما امسال در بخش بین‌الملل حرف‌های خوبی برای گفتن داریم. تلاش زیادی شده تا نمونه‌های شاخصی از جامعهٔ جهانی به جشنواره دعوت شود. نمونه‌های خوبی هم از تئاتر ایران حضور دارد. این امر به ما کمک می‌کند تئاتر ایران با جهان را ببینیم و در راستای اندیشهٔ بنیادی حرکت کنیم که ایرانی فکر کنیم، ایرانی بنویسیم، ایرانی خلق کنیم، ایرانی با مخاطب ارتباط برقرار کنیم اما در معیار و مقیاسی جهانی.

گزارش نشست های رسانه‌ای بیست‌ونهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر برنامه ریزی دقیقی داشته ایم

زهراشایان فر

همهٔ جشنوار ه‌ها فعالیت‌شان با برگزاری نشست‌های خبری آغاز می‌شود. این نشست‌های خبری هستند که یکجکدهٔ یک‌سال فعالیت گروه اجرایی جشنواره‌ها را پیش از شروع نشریح می‌کنند. دبیر خانهٔ بیست‌ونهمین جشنواره بین‌المللی جشنوارهٔ تئاتر فجر نیز تا قبل از ۱۶ بهمن‌ماه، که جشنواره آغاز شد، دو نشست خبری برگزار کرد. اولی در ۲۰ دی و دومین نشست در ۱۶ بهمن برپا شد. البته پس از جشنواره نیز برای ارزیابی این دوره نشستنی برگزار خواهد شد. همهٔ آن‌چه را دربارهٔ آمار و ارقام جشنواره و نحوهٔ انتخاب آثار و حضور گروه‌های خارجی و تفاوت‌های این دورهٔ جشنواره می‌توانید بدانید: در این گزارش دنبال کنید.

«ما بر دوش گذشتگان ایستاده‌ایم» با این جمله دبیر بیست‌ونهمین دورهٔ جشنوارهٔ بین‌المللی تئاتر فجر رسماً نخستین نشست مطبوعاتی را با تقدیر ۲۸ دبیر پیشین این جشنواره آغاز کرد. محمد حیدری در ادامه با اشاره به تغییرات ساختاری معاونت هنری و مرکز هنرهای نمایشی در ۶ ماههٔ اول سال گفت «جشنوارهٔ بیست‌ونهم از یازده ماه پیش با ارسال فراخوان فعالیتش آغاز شد. به دلیل تغییرات مدیریت در معاونت هنری و مرکز هنرهای نمایشی نتوانستیم در ۶ ماههٔ نخست به همهٔ برنامه‌هایمان دست پیدا کنیم اما در ۶ ماهه دوم و بعد از تغییر و تحولات برنامه‌هایمان ادامه دادیم.» محمد حیدری در این نشست با اشاره به بازار تئاتر ایران ادامه داد «اسال تمام تلاش‌مان بر حضور موثر گروه‌های ایرانی است. از مدیران کمپانی‌ها و جشنواره‌های معتبر جهانی برای حضور در این بازار دعوت شده‌است. سوابق کاری شرکت کنندگان این بازار چاپ خواهد شد تا گروه‌ها با آن‌ها سابلشان آشنا شوند. بازار تئاتر از ۲۲ تا ۲۷ بهمن برگزار خواهد شد و بر خلاف سال گذشته هر گروه نمایشی مدت زمان مشخصی برای حضور در جشنواره وقت دارد. این بازار هر روز به ۱۰ گروه نمایشی اختصاص خواهد یافت تا هر گروه در فرصت ۲۰ دقیقه‌ای با مدیران به تعامل بپردازد در مجموع شرایط برای دیگر کیفیت این بازار هم پایین بود که سعی کردیم اسمال آن را ارتقا دهیم.» برای اولین بار جشنوارهٔ بیست‌ونهم تئاتر فجر شاهد رویدادهای بسیاری خواهد بود که برای نخستین بار طراحی و اجرا می‌شوند. از آن جمله باید به اجرای ویژهٔ خبرنگاران و هنرمندان اشاره کرد که تنها برای ۱۵ نمایش تریب‌ده شده‌است. محمد حیدری علاوه بر این به اتفاق دیگری اشاره کرد، که برای نخستین بار در این جشنواره رخ می‌دهد، و آن تهیه و ارسال ۱۰ ویژهنماه معرفی سالن‌های فجر، امکانات رفاهی در اطراف سالن‌ها، نقشهٔ جشنواره فجر به شمارگان ۲۰ هزار نسخه به درب منازل شهروندان است و این اقدام را در راستای تحقق شعار «تئاتر برای همه» و جذب مخاطب برای تئاتر عنوان کرد. وی یکی دیگر از اولین‌ها جشنواره را بر پرداخت کمک‌هزینه به نمایی بخش‌ها اعلام کرد که بابت هزینه حضورشان در جشنواره پرداخت می‌شود و از قراردادهای اجرای گروه کسر نخواهد شد. «یزدان عشیری» مدیر روابط عمومی



مرکز هنرهای نمایشی در این نشست اعلام کرد که در سومین نشست از برترین‌های اهالی رسانه نیز تقدیرمی‌شود. وی از دایری کلون ملی منتقدان و انجمن منتقدان خانهٔ تئاتر خبر داد که ۲۴ اثر نمایشی را مورد قضاوت قرار خواهند داد و اعلام کرد اهالی رسانه نیز می‌توانند نمایش‌ها را ارزیابی کرده و در نهایت یک گروه نمایش ایرانی یا خارجی از سوی اهالی رسانه انتخاب خواهد شد.

شورای سیاستگذاری و بودجه

در بخش دیگر این نشست مسئلهٔ بودجهٔ جشنواره و قرارداد گروه‌های نمایشی مورد سوال قرار گرفت که محمد حیدری پاسخ داد: «بودجهٔ این دوره از جشنواره، یک میلیارد و شصدهمیلیون تومان است که تا کنون برخی از اقساط آن نیز پرداخت شده است. بودجهٔ تئاتر اسمال متمرکز است و اگر افزایش یابد اعلام خواهیم کرد. وی دربارهٔ قرارداد گروه‌های نمایشی نیز گفت: «در شهرستان‌ها قراردادها از طریق انجمن نمایش اعلام می‌شود و از انجمن نمایش هر استان خواسته‌ایم تا شماره حساب گروه‌های نمایشی را اعلام کنیم.» وی با بیان این مطلب که جشنواره مستقل برگزار می‌شود گفت در این دوره از جشنواره شورای سیاستگذاری با حضور مدیران و مسئولان فرهنگی تشکیل شد که در حوزهٔ فعالیت خود می‌توانند بر رویدادهای تئاتری موثر باشند. استفاده از این همکاران برای این است که با تئاتر آشنا شوند تا در تصمیم‌گیری‌های آینده‌مان پیش‌تر به هنرهای نمایشی توجه کنند. ما می‌خواهیم از طریق این شورا دوستان را در جریان رویدادهای تئاتر قرار بدهیم. البته نمی‌توان منکر شد که بخشی از این ماجرا تبلیغاتی است.

وی دربارهٔ شورای بازبینی نیز گفت: «از خانواده تئاتر در این شورا استفاده کردیم؛ از بسیاری دوستان دعوت به همکاری کردیم که نتوانستند بیایند. شورای عالی تئاتر نمی‌تواند پاسخ‌گوی همهٔ بخش‌ها باشد، هر بخش شورای تخصصی خود را می‌خواهد. بعد از انتشار جدول جشنواره بازبین‌ها به مدت ۲۸ تا ۲۷ روز فرصت دارند تا برای بازبینی آثار برنامه‌ریزی کنند. ضمن این‌که آثار گروه‌های تهرانی پیش از جشنواره و گروه‌های شهرستانی شب قبل از اجرا، بازبینی خواهند شد.» حیدری دربارهٔ نقش معاونت هنری در برگزاری جشنواره تئاتر فجر نیز گفت «هیچ دخالت و نقشی از سوی معاونت هنری وارد نشده است البته

معاونت هنری پشتوانه و حامی خوبی برای ماست، وی ادامه داد: هیات داوران در بخش‌های مختلف تعیین شده هستند و نمی‌توانیم بحث نظارت را نادیده بگیریم چرا که نظارت دستورالعمل شورای عالی انقلاب فرهنگی است و دست بنده هم نیست. دبیر جشنوارهٔ بیست‌ونهم با بیان این مطلب که تئاتر زنده‌است و ممکن است اتفاقاتی در آن بیفتد و شاید به دلیل ناآگاهی برخی هم مطالبی نوشته شود گفت بنده تمام مشکلات تئاتر را نمی‌توانم حل کنم اما تمام توانایی‌ام را به کار می‌گیرم. اگر مشکلی در تئاتر و یک نمایش ایجاد می‌شود نباید آن را تعمیم داد.

بخش رادیو تئاتر دوسالانه شد

محمد حیدری دربارهٔ حذف بخش رادیو تئاتر از جشنوارهٔ تئاتر فجر توضیح داد این بخش را حذف نکرده‌ایم معتمدیم رسانهٔ ملی بسیار گسترده و اثرگذار است و می‌تواند بخش مجزایی در شان خودش داشته باشد. اگر قرار است این بخش برگزار شود باید به صورت مطلوب این اتفاق بیفتد. در حال حاضر بخش رادیو تئاتر دوسالانه شده‌است، از ابتدای انتشار فراخوان این موضوع اعلام شده بود و دوستان رادیو می‌توانستند همان زمان اعلام آمادگی کنند نه این‌که یک‌ماه پیش از جشنواره ابراز گلایه کنند بنابراین فکر می‌کنم، این حرکت کمی جنبهٔ تبلیغاتی دارد. وی دربارهٔ مکان تمرین گروه‌های تئاتر نیز گفت: نباید فراموش کنیم سالن تمرین یکی از مشکلات جدی تئاتر ماست. امکاناتی که در ادار تئاتر وجود دارد در شان تئاتر ما و هنرمندان آن نیست. مادر حد توان‌مان با همهٔ گروه‌ها همکاری کرده‌ایم. کسانی که به صورت شخصی مراجعه کرده‌اند مشکلاتشان حل شده‌است. اما، به هر حال امکانات و شرایط در تئاتر مانسبی است. بخشی از دایری‌ها هم نسبی وسلیقه‌ای است و به اراده بنده هم نیست.

شهرستانی‌ها مشکل اسکان نخواهند داشت

حیدری با ابراز خرسندی از افزایش کمک هزینهٔ گروه‌های شرکت کننده در جشنواره تأکید کرد: گروه‌های شهرستانی مشکل اسکان نخواهند داشت. تلاش می‌کنیم برای همهٔ گروه‌ها امکاناتی برابر فراهم کنیم. هر گروه حداقل ۴ شب در تهران اقامت خواهد داشت و با استفاده از کارت «وی-آی-بی» می‌تواند نمایش‌های جشنواره را ببیند. وی دربارهٔ آثار

تولیدی مشترک، میان گروه‌های ایرانی و خارجی گفت: این سیاست‌ها باید از طریق مرکز هنرهای نمایشی دنبال شود. ما با دعوت از مدیران جشنواره‌ها و گروه‌های خارجی این زمینه را فراهم کرده‌ایم. آثار تولیدی مشترک بایستی در فرایندی مناسب به اجرا برسند. پیشنهاد کرده‌ایم این آثار مشترک برای سال آینده تولید شوند نه این‌که به جشنواره اسمال محدود شوند.

با تمام توان پشتیبان جشنواره هستم

اما دومین نشست رسانه‌ای این جشنواره به سوال‌های مطرح شده از سوی خبرنگاران دربارهٔ بازبینی مجدد آثار جشنواره وحاشیه‌های پیش آمده در این خصوص پاسخ داد. فیلم گزارش دبیر دربارهٔ بخش‌های جشنواره به همراه قطعاتی از نمایش‌های خارجی راه یافته به جشنوارهٔ بیست‌ونهم تئاتر فجر در آغاز این نشست بخش شد. حیدری در این نشست با اظهار تأسف از حاشیه‌هایی که در فضای تئاتر ایجاد شده گفت: به هر حال بحث نظارت همواره در هنر ما بوده، هست و خواهد بود و مساله تنها منحصر به این جشنواره هم نیست. سال‌های گذشته شورای نظارت و ارزشیابی، پیش از جشنواره همهٔ آثار را مورد بازبینی مجدد قرار می‌داد. اگر بازبینی مجدد نمایش‌ها اسمال رزودتر انجام می‌شود، به این دلیل است که ما جدول برنامه‌های جشنواره را بیست روز پیش از برگزاری آن منتشر کرده‌ایم. در حالی که سال‌های پیش بازبینی‌های مجدد، شب قبل از اجرای نمایش‌ها انجام می‌شد.

حیدری گفت: ما بر برنامه‌ریزی بسیار دقیقی جلو آمدم گاهی ممکن است همین برنامه‌ریزی‌های دقیق برای جشنواره مشکل ایجاد کند؛ ادعاندارم قرار است تمام مشکلات تئاتر کشور را حل کنیم. تلاش کردیم برنامه‌ریزی منظمی داشته باشیم اما مسائلی وجود دارد که در حوزهٔ اختیار من نیست؛ مانند نظارت بر نمایش‌ها که هر سال اتفاق افتاده است. وی در ادامهٔ این نشست دربارهٔ اجرای نمایش‌های شهرستانی در سالن‌های خارج از مجموعه تئاتر شهر توضیح داد: در اختصاص سالن‌های نمایش، محل اجرای عمومی نمایش‌ها را نیز در نظر گرفتیم. این‌که گروه‌ها در چه سالنی اجرا رفته‌اند و پس از جشنواره در چه سالنی خواهند رفت را از کارگزاران پرسیدیم. این در حالی است که به سالن‌های غیر از تئاتر شهر نیز توجه داشته‌ایم. اسم و رسم کارگران نیز



در اختصاص سالن‌ها دخیل بوده چرا که افراد شناخته شده با تأکید از ما سألنی خاص را می‌خواهند ولی هنوز سالن‌های مناسب دیگری که در تهران وجود دارد را ندیده‌اند. حیدری دربارهٔ عدم تکمیل بازسازی مجموعه تئاتر شهر هم یادآور شد: برای ۱۰ روز برگزاری جشنواره تمهیداتی در نظر گرفت‌ایم. جای تأسف است درباره تنها مجموعه حرف‌های تئاتر کشورمان این گونه صحبت می‌کنیم. بازسازی تئاتر شهر جزو موارد بسیار حاشیه‌ای است اما آن‌قدر به آن توجه نشده، که به معطل تبدیل شده‌است.

اجرای آثار بخش چشم‌انداز در ۴ ماههٔ اول سال ۹۰

اوه‌چنین دربارهٔ عدم تعهد جشنواره تئاتر فجر به اختصاص اجرای عمومی به آثار دانشگاهی در بخش پایان‌نامه‌های برگزیده گفت: تعهدات ما اجرای عمومی به آثار بخش چشم‌انداز است، در قبال آثار دانشگاهی تعهدی نداریم اما در مورد تمام کارهای بخش چشم‌انداز حتی اگر لازم باشد خودم به عنوان مدیرتولید، تمام پیگیری‌های لازم را برای اجرای عمومی این آثار انجام می‌دهم و پس از آن هر کارگردانی که نمایشش اجرا نشد، می‌تواند بقیهٔ مرا بگیرد. این آثار تا چهار ماه اول سال ۹۰ اجرای عمومی خواهند داشت.

حضور رسانه‌های خارجی در جشنواره

محمد حیدری در پاسخ به پرسشی دربارهٔ حضور نمایندگان رسانه‌های خارجی در جشنوارهٔ تئاتر فجر توضیح داد: هم خبرنگار خارجی و هم گروه تلویزیونی خارجی دعوت کرده‌ایم که این هفته به ایران بیایند. در بخش رسانه‌ها اتفاقات بسیار خوبی دیده‌ایم است. با یک مجلهٔ تخصصی و بسیار مشهور آلمانی رایزنی کرده‌ایم که قرار است مدیرمسئول این مجله همراه با گروهش به جشنواره بیایند و در ماه سپتامبر شمارهٔ ویژهٔ را به جشنوارهٔ تئاتر فجر اختصاص بدهند. از شبکهٔ «انجیرپرو» و «العاتر» هم نمایندگانی حضور دارند. در تکمیل سخن حیدری؛ یزدان عشیری؛ مدیر روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی و جشنواره تئاتر فجر گفت: قرار است ۱۴ نمایش برای خبرنگاران اجرای ویژه داشته باشند و فضای تعامل میان نمایندگان رسانه‌ها با هنرمندان در جشنواره بیش‌تر شود.

موسسه بین المللی تئاتر

آران قادر پور

ITI سازمانی غیر دولتی است که دفتر مرکزی آن در ستاد یونسکو در شهر پاریس قرار دارد و با بخش فرهنگی یونسکو همکاری می کند. طی ۴ دهه گذشته این سازمان در سراسر دنیا با بیش از ۱۰۰ مرکز به عنوان بزرگترین سازمان هنرهای اجرایی شناخته می شود. دبیر کل این مرکز به همراه ۲۰ عضو شورای اجرایی آن با مراکز دیگر ۱۱ کمیته ثابت همکاری دارند. هدف این سازمان؛ بهبود تبادل بین المللی، به منظور تحکیم صلح و دوستی و عمق بخشیدن به درک متقابل و افزایش همکاری خلاق بین مردم سراسر دنیا بر اساس دو مقوله علم و عمل در هنرهای نمایشی است. برای دستیابی به این هدف، «ای-تی-ای» حمایت از فعالیتها و تولید در حوزه هنرهای نمایشی زنده اعم از: نمایش، رقص و تئاتر موزیکال را بر عهده دارد. همچنین از عمده فعالیت های این سازمان موارد ذیل را می توان برشمرد: توسعه همکاری های بین المللی میان آموزش های اجرایی هنرها و سازمان های مربوط به آن، تأسیس اداره های بین المللی و کمک به ایجاد مراکز وابسته به «ای-تی-ای» در همه کشورها، گردآوری مدارک و انتشار اطلاعات و موضوعات مربوط به هنرهای نمایشی. این سازمان همکاری قابل توجهی نیز در زمینه توسعه تئاتر ملل، حمایت و هماهنگی بین کنگره های تئاتری، کارگاهها و

سمینارهای تخصصی دارد. همچنین برپایی جشنواره، نمایشگاه و مسابقاتی منطقه ای و بین المللی با همکاری اعضا و حمایت از توسعه آزاد هنرهای نمایشی و دفاع از حقوق اشخاص حرفه ای فعال در عرصه هنرهای نمایشی جزو اهداف دیگر این سازمان به شمار می رود. مراکز تابع سازمان، به منظور دستیابی به اهداف مذکور و نیز احترام متقابل به

سنت های ملی سایر کشورها ترغیب می شوند. از سال ۱۹۶۲، «ای-تی-ای» با سازمان یونسکو، رابطه منوثری داشته است و علاوه بر آن به عنوان یکی از زیرمجموعه های غیردولتی یونسکو شناخته می شده است. ژوئن ۱۹۹۶، این سازمان، در پی بازنگری روابط یونسکو با آن جی-۱۵۸، صاحب جایگاه جدیدی شده؛ به این ترتیب که همکاری رسمی و پیوسته ای را با یونسکو پذیرفت. در همان سال یونسکو، توافق ۶ ساله ای با «ای-تی-ای» امضا کرد که این قرارداد در سال ۲۰۰۲ و پس از آن در سال ۲۰۰۸ تمدید شده است. «ای-تی-ای» طبق این توافق نامه موظف است یونسکو را در زمینه مسائل، آسیبها و چالش های

تئاتر در سراسر جهان حمایت کند و در این زمینه ها نیز با یونسکو همکاری داشته باشد؛ تبادل اطلاعات و تخصص در حوزه تئاتر، ترغیب جوانان به مقوله هنرهای نمایشی، بهبود وضع موجود و آموزش بازگرا و نوپندگان. در واقع هدف اصلی یونسکو حمایت از

پروژه های «ای-تی-ای» به منظور حفظ گوناگونی فرهنگی است. این همکاری برای رشد فرهنگی و فعالیت های هنری و صنایع در حال گسترش کشورها و ظهور دموکراسی، حیاتی به نظر می رسد. همچنین به منظور جذب حمایت های همه جانبه یونسکو مراکز «ای-تی-ای» را در رخدادهای بین المللی و فعالیت هایشان سازمان دهی می کند. از سوی دیگر، «ای-تی-ای» همیشه بر ضرورت نقش فرهنگ و هنرهای نمایشی در توسعه جوامع، واقف بوده است و امروزه «ای-تی-ای» نیز همانند یونسکو، حتی تأکید جدی تر بر جنبه های مکمل اقتصادی و توسعه فرهنگی را مد نظر قرار می دهد. «ای-تی-ای» همچنین یک گروه کارشناسی ناظر بر وضعیت روابط موجود با یونسکو و شورای اروپا دارد و با سازمان جهانی نخبگان و دفتر آموزش بینالملل یونسکو نیز همکاری می کند. از دیگر فعالیت های ترمایش این سازمان، حضور مستمر در عرصه نشر محصولات فرهنگی هنری است. از نمونه آثار منتشر شده این مجموعه می توان به دایره المعارف جهانی تئاتر معاصر در ۴ مجلد و کتاب های بی شماری درباره جنبه های گوناگون فعالیت این موسسه بین المللی و مراکز آن- که توسط هسته های ملی انتشار یافته- اشاره کرد. فهرست این فعالیت ها در کتابچه راهنمای

تئاتر جهان در سایت «ای-تی-ای» قابل دسترسی است. از

میان فعالیت های متنوع و فراوانی که این سازمان در حوزه های گوناگون اجرا و نظر در اکثر کشورهای جهان با آن ها مشارکت داشته است می توان به اختصار همکاری با موارد ذیل را برشمرد: بیست و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر؛ ۲۲-۲۱ ژانویه ۲۰۱۰ - تهران، مجمع بین المللی هنر، نخستین جشنواره بین المللی تئاتر تک نفره که در حضور اریک اماتولل اشیمیت و هانا اشیکولا؛

۱۴-۱۱ اگوست، ۲۰۱۰- بلارستان، جشنواره بین المللی تئاتر مدرس، کنفرانس جهانی کارگردانان تئاتر مدرس؛ ۱۰-۱۳ اگوست ۲۰۱۰- برویو- ششمین سمینار بین المللی باله؛ ۱۹-۲۹ اگوست ۲۰۱۰- اتریش، جشنواره بین المللی تئاتر تک نفره؛ ۸-۱۴ نوامبر ۲۰۱۰- آلمان، نخستین کنفرانس بین المللی با عنوان فرایند تئاتر جهانی در قرن بیست و یکم؛ ۱۰-۹ نوامبر ۲۰۱۰- آذربایجان، نخستین جشنواره بین المللی تئاتر حقیقت؛ ۱۹-۲۵ نوامبر ۲۰۱۰- تهران، همچون گذشته در سال جاری نیز، این سازمان برنامه هایی نظیر موارد ذیل در کارنامه خواهد داشت: حضور در بیست و نهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر تهران؛ ۱۵-۶ فوریه ۲۰۱۱- تهران، دوسالانه تئاتر سوند؛ ۱۵-۱۱ می ۲۰۱۱- جوباز، تئاتر اروپا؛ ۱۷-۱۳ آپریل ۲۰۱۱- سن پترزبورگ

روسیه، نمایشگاه بین المللی چهار سالانه پراگ؛ ۱۶-۲۶ جون ۲۰۱۱، پراگ- چک.

ارتباط با موسسه بین المللی تئاتر
The International Theatre Institute
www.iti-worldwide.org

فرانسه، پاریس

تلفن: +۳۳ ۱۴۵۶۸۴۸۸

نمابر: +۳۳ ۱۴۵۶۸۴۸۴

نگاهی به نمایش «آخرین نامه»

نوشته و کار مهرداد کورش نیا

پرهیز از دلهره و هراس

رضا آشفته



«آخرین نامه» نمایشی با موضوع جنگ و دربارهٔ یک سئوگر دیده بان به سر می برد. نگاه مهرداد کوروش نیا به مقولهٔ جنگ کاملاً متفاوت با آن چیزی است که تا کنون در این مقوله دیده ایم. شاید همین وجه تمایز، مهم ترین عامل برای جذب تماشاگر است چون موقعیتی بکر و کنش های باطراوتی را مقابل دیدگان مخاطب قرار می دهد. البته این طراوت آن قدر زیاد، مفرح و شاد است که در واقع یک موقعیت کمیدی از جنگ را

نشان می دهد. در این بخش ضعف متن و اجرا می یابد درصدد ایجاد فضایی طنز با سبک بین المللی باله؛ ۱۹-۲۹ اگوست ۲۰۱۰- اتریش، جشنواره بین المللی تئاتر تک نفره؛ ۸-۱۴ نوامبر ۲۰۱۰- آلمان، نخستین کنفرانس بین المللی با عنوان فرایند تئاتر جهانی در قرن بیست و یکم؛ ۱۰-۹ نوامبر ۲۰۱۰- آذربایجان، نخستین جشنواره بین المللی تئاتر حقیقت؛ ۱۹-۲۵ نوامبر ۲۰۱۰- تهران، همچون گذشته در سال جاری نیز، این سازمان برنامه هایی نظیر موارد ذیل در کارنامه خواهد داشت: حضور در بیست و نهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر تهران؛ ۱۵-۶ فوریه ۲۰۱۱- تهران، دوسالانه تئاتر سوند؛ ۱۵-۱۱ می ۲۰۱۱- جوباز، تئاتر اروپا؛ ۱۷-۱۳ آپریل ۲۰۱۱- سن پترزبورگ

روسیه، نمایشگاه بین المللی چهار سالانه پراگ؛ ۱۶-۲۶ جون ۲۰۱۱، پراگ- چک.

در سطح جهان به دنبال خواهد داشت. بنابراین بومی فکر شده و جهانی اجرا شده است. حسن ویژه و کار آمدی در این نمایش هست که می تواند مثال زدنی باشد. آن سه مرد در سنگر دربارهٔ عشق و نامه های عاشقانه و خاطرات این چنینی گپ و گفت دارند. مرد کرد خود را فرامنده می داند و دوست دارد که حاکمیت خود را در سنگر اعلام کند. جوان تهرانی خود را تابع مافوق خود می داند که در این جا حضور فیزیکی ندارد. مرد شمالی هم برای ۲، ۳ روز به این سنگر می آید تا جایگزین جوان تهرانی باشد اما این اتفاق حادث نمی شود؛ چرا که آن سه ناخواسته گرم فضای دوستانه و روابط صمیمانه ای شده اند که این شرایط نظامی را تحت تأثیر خود قرار می دهد. آن ها به دنبال فضایی در روابط صمیمانه یکدیگرند تا ببینند که آیا ادعای مرد شمالی دربارهٔ صحن و نامزدی دختر مورد نظرش واقعی است یا نه!

سه مرد با سادگی مفرط و بی خبر از تهدیدهای نظامی، که فضا را باید اشباع کند و در این اجرا از آن چشم پوشی شده است. کار خودشان را آغاز می کنند. بی آن که درصدد باشند تا تغییر و تبدیلی را ایجاد کنند، این رفتارها را تا سرحد کشته و قربانی شدن خود ادامه می دهند. همین سادگی فضایی غیر عادی می سازد و شخصیت آن سه نفر را، که بر سرشار از نیروی خیر است، در مقابل نیروی

تهدید آمیز شر قرار می دهد. نیروی شر باید با هول و ولای بیش تر و به شکل تصاعدی در فضا اعمال می شد تا بیکره بی گرو و تسک گونه را ایجاد کند و تماشاگر از آن چه با شادی و ملایمت می بیند، رفته رفته دچار هراسی بی پایان شود. در اجرا هم از فضایی که باید دلهره و ترس را در دامن می زد غفلت شده بود، اما علاوه بر بازی ها طراحی صحنه هم چشم گیر و خلاق می نمود. در صحنه استفاده بولی های زیادی (تشت های بلبلی) چیده شده که کارکردهای ایزاری و معنایی دارند. این تشت ها برای نشان دادن مواردی چون اسلحه، دوربین، آتش، صندلی و سنگر کاربرد دارد. گاهی هم از این ابزار به عنوان «مین» یا حتی مسیر استفاده می شود. همین غیر عادی شدن ابزارها و رفتارها است که تداعی گر یک فضای انتزاعی خواهد شد و متن را از یک بستر واقعی به فضایی غیر واقعی سوق خواهد داد. حتی جغرافیا و تاریخ نمایش را هم در گون خواهد کرد و فرامرز شدن اجرا را ممکن خواهد ساخت. با این ابزار و تکرار آن و چیدمان غیر واقع گرایانه اش اتفاقی به ظاهر ساده، و در باطن وسیع و فراگیر، در نمایش به وقوع می پیوندد. این همان نیروی خلاقانه ای است که از طریق دراماتوری - یا حضور فارس باقری در مقام دراماتورژ - و مشاوره ادبی و فنی با گروه، شکل عینی و تأثیر گذار خود را بر اجرا خواهد گذاشت.

محمدرضا سقندی

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان شمالی

مخاطب محوری

به عنوان یک اصل



منصورایمانی

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان

باید بازار را برای تقاضای

تئاتر فراهم کرد

محمدرضا سقندی،مدیر کل فرهنگوارشاداسلامی استان خراسان شمالی،زیگمزیبان جشنوارهای استانی بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به شمار می‌رود،او معتقد است رویدادهای فرهنگی وهنری همچون دیگر سیاستگذاری‌های کوچک‌سازی شهر تهران باید به سایر استان‌ها گسترده شود. گفت‌ووی روزنامه جشنواره‌داین مدیر کل پیرامون حمایت‌ها،برنامه‌ریزی‌ها واهداف برنامه‌های تئاتری استان صورت گرفت.

هدف از حضور استان خراسان شمالی در بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر چه بود؟

برگزاری رویدادهای فرهنگی وهنری در استان‌ها و شهرستان که امسال بر مبنای تمرکززدایی از تهران صورت گرفت یکی از اتفاقات فرخنده جشنواره می‌بود که از آن استقبال کردیم. غالباً تمرکز این برنامه‌ها در تهران باعث می‌شد علاقه‌مندان به هنر نتوانند از تولیدات فرهنگی و هنری استفاده کنند. در عین حال اعتقاد دارم اگر به دنبال کوچک‌سازی و خلوت‌سازی شهر تهران هستیم، می‌توانیم از گسیل کردن برنامه‌های فرهنگی هنری متمرکز در تهران به استان‌ها استفاده کنیم؛ این کار هیچ منافاتی با رشد فعالیت‌ها در تهران ندارد؛ مینا معالفت فرهنگی و هنری است. بر این اساس نه تنها باید بستری فراهم شود که استان‌ها با شهرستان‌ها تبادل داشته باشند بلکه چه‌بتر است گروه‌های هنری مرکز هم،به استان‌ها سفر کنند تاو یک فضای متعادل برقرار شود.

تاثیر این حرکت بر تئاتر استان‌ها چیست؟
معمولاً شهرستان‌ها در طول سال کم‌تر با آثار شاخص آشنا می‌شوند و از طرفی تحول فرهنگی هم نیاز به الگوسازی دارد. هنرمندان هنگامی می‌توانند حرکتی رو به جلو داشته باشند که با جریان‌های هنری و الگوهای شاخص از نزدیک آشنا شوند؛ این باعث تعالی هنر می‌شود.

پیشنهاد می‌زبان جشنواره تئاتر فجر از سوی جشنواره عنوان شد یا از طرف متولیان استان؟

ما سه سال است که بی‌گیر این اقدام هستیم و بالاخره امسال برای اولین‌بار این میزبانی نصیب استان‌ما شده است که امیدوارم همچنان ادامه پیدا کند. برای میزبانی این جشنواره چه اقداماتی در استان صورت گرفته است؟

زمینه‌ها و آمادگی لازم برای این میزبانی فراهم شد. سالان تئاتر آماده

متصور ایمانی؛ مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان که یکی از استان‌های میزبان بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر است و بخش تئاتر عروسکی فجر را نیز به طور اختصاصی میزبانی می‌کند معتقد است «مراوده فرهنگی دوسویه که به دنبال برگزاری جشنواره در استان‌ها ایجاد می‌شود باعث رشد تئاتر استان خواهد شد. گفت‌ووی روزنامه جشنواره‌باو پیرامون برنامه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و گروه‌های نمایشی استان گیلان صورت گرفت.

استان گیلان چگونه در مجموعه استان‌های میزبان بیست و نهمین جشنواره تئاتر فجر قرار گرفت؟

این لطف از سوی دوستان مرکز هنرهای نمایشی صورت گرفت که پس از بررسی پیشنهاد استان در هنر نمایش و استعدادهای موجود آن -که به عنوان کلون نمایش آیینی،دینی وایرانی مطرح است- پیشنهاد میزبانی این بخش به ما شد. در این استان انواع نمایش‌های آیینی، موزیکال و غیرموزیکال بارگه‌های مذهبی و همچنین تعزیه‌خوانی که تعزیه‌خوانان از جمله چهره‌های کشوری به شمار می‌روند فعالیت گسترده‌ای دارند.

بازخورد این اتفاق در میان هنرمندان استان چیست؟
بازخوردی که تااین لحظه از تبلیغات آثار جشنواره استانی فجر گرفته‌ایم، نشان می‌دهد که علاوه بر هنرمندان فعال نمایشی، عموم مردم و به ویژه اهالی شهرستان‌های استان،بسیار خوشحال بوده‌اند.

ارزایی شما از تاثیر برپایی جشنواره‌های فجر استانی چیست؟
مطمئن هستم که از این پس شاهد درخواست‌های استان‌ها برای مشارکت در برپایی تئاتر فجر خواهیم بود. این اتفاق ابتدا در انجمن هنرهای نمایشی استان‌ها و بعد در رونق تئاتر تاثیر خواهد داشت.

آن‌چه را در استان گیلان در قالب هنر نمایش عروسکی دیدیم،زمینه‌ای برای پرداختن به گونه‌های دیگر نمایش نیز خواهد شد. این مراوده فرهنگی دوسویه بین گروه‌های جشنواره و میزبانان، بین هنرمندان و مدیران فرهنگی استان‌ها، شکل خواهد گرفت.

چند سال نمایش در استان گیلان میزبان اجراهای جشنواره تئاتر فجر شده‌اند؟

شد، بلیط‌ها چاپ شد، اطلاع رسانی عمومی صورت گرفت. همچنین اطلاع رسانی از طریق جدول برنامه‌ای برنامه‌ای انجام شد. با استاندارد، امام جمعه بجنورد و دیگر نهادهای ذی‌ربط هماهنگی صورت گرفته و کمیته‌های جشنواره و انجمن هنرهای نمایشی استان نیز در این زمینه فعالیت‌های خود را آغاز کرده‌اند. استان بخشی از هزینه گروه‌های نمایشی را نیز تقبل کرد. احساسم این است که با این همه می‌توانستیم فراتر از گروه را در استان بپذیریم.

این گروه چند اجرا داشتند و چه سال‌هایی برای اجراهای جشنواره در نظر گرفته شد؟

گروه‌ها جمعاً ۱۲ اجرا در این ایام داشتند. فکرمی‌کنم این می‌تواند تنها به‌خشی از علاقه‌مندی مخاطبان پاسخ دهد. سالن «مجمع فرهنگی هنری گلشن» برای اجرای این نمایش‌ها در نظر گرفته شده که ۴۸۰ تا ۵۰۰ نفر ظرفیت دارد، به این ترتیب از هر نمایش ۱۰۰۰ نفر دیدن کردند که رقم مناسبی به شمار می‌رود. همان‌طور که می‌دانید، به‌مناسبت دهه فجر در استان برنامه‌های متعددی نیز داشتیم که باید در دیگر سال‌های شهر بر گزار می‌شدند.
آیا در کنار این اجراها، گروه‌های استان نیز در این زمان اجرا داشتند؟
بله، گروه‌های دیگری هم در سطح استان برای این ایام اجرا داشتند. البته در قالب تئاتر فجر قرار نمی‌گیرند. سعی کردیم پیرو سیاست‌های کلی جشنواره کار کنیم. البته یک گروه از استان ما در بخش چشم‌انداز جشنواره تئاتر فجر و در تماشای خانه سنگلج حضور خواهد داشت و بعد از جشنواره فجر در استان خراسان شمالی اجرای عموم خواهد داشت.
آیا برای اجرای عمومی ۶ اثری که در بجنورد اجرا می‌شوند برنامه‌ریزی صورت گرفته است؟
همیشه در این بحث محدودیت‌هایی وجود دارد ولی اگر گروه‌هایی باشند که اثری فاخر داشته باشند این آمادگی را داریم که اجراهای این استان‌های دیگر هم داشته باشیم. پیش از این هم گروه‌های از سایر مناطق کشور در استان ما اجرا داشته‌اند و همیشه مردم نیز از این اجراها استقبال

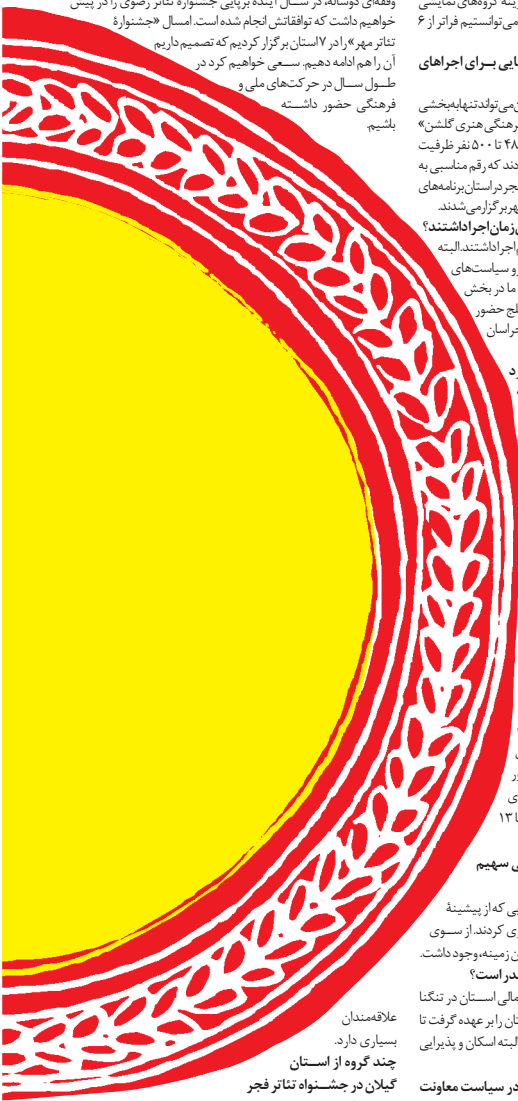
در چند شهر متفاوت استان گیلان اجراهای صحنه رفت. در رشت، سالن مجتمع فرهنگی هنری خاتم‌الانبیاء، در لاهیجان و سیاهکل؛ یکی از سالن‌های کلون‌های نمایش، در آستانه‌اشرفیه، سالن مجتمع دکتر معین و در بندر انزلی نیز، سالن مجمع شهید چمران. جمعاً از روز ۱۶ بهمن با حضور ۶ گروه ۱۶ اجرا به صحنه رفت. در کنار آن کارگاه‌های آموزشی میلارک یونیمار نیز هر روز از ساعت ۹ تا ۱۳ برای هنرمندان و علاقه‌مندان این هنر برگزار شد.
در انتخاب موضوع برای کارگاه‌های تخصصی سهیم بودید؟

این اتفاق با نظر دوستان مرکز شکل گرفت. در ارزیابی که از پیشنهاد فعالیت استان داشتند این کارگاه‌ها را برنامه‌ریزی کردند. از سوی هنرمندان تئاتر نیز گرایش‌های به ارتقا علمی، در این زمینه، وجود داشت.
میزان حمایت مالی استان از این جشنواره چقدر است؟
سوال شما مرا شرم‌مند کرده چرا که به لحاظ مالی استان در تنگنا است و اداره کل هنرهای نمایشی تعهدات استان را بر عهده گرفت تا ما در برنامه‌های مشترک دیگر آن را جبران کنیم. البته اسکان و پذیرایی میهمانان استان را بر عهده گرفتیم.
با توجه به این که استقرار گروه‌های نمایشی در سیاست معاونت هنری قرار گرفته است چه برنامه‌هایی برای ثبات گروه‌های نمایشی دارد؟

به عنوان مدیر و همچنین به عنوان یک علاقه‌مند، برای توجه به موضوع اقتصاد هنر اهمیت ویژه‌ای قائلم. عمل برای آن برنامه‌ریزی داشته‌ام و در مدت یک ماهه‌ای که مسئولیت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان را بپذیرفتم این مسئله برآیم در اولویت قرار دارد. تلاش کرده‌ایم گروه‌های ثابت و فعال تئاتر بنا به نیاز به مرکز هنرهای نمایشی مستقر شوند. در بعضی از شهرستان‌ها این اتفاق افتاده و برنامه کاری مشخصی نیز وجود دارد. برای خودم این وظیفه را مقرر کرده‌ام که باید بازار را برای تقاضای تئاتر فراهم کنم. تئاتر چه خصوصی باشد و چه دولتی،

کرده‌اند. انشا‌ا، برای بعضی از این گروه‌ها، مراکز ذی ربط وارد مذاکره خواهیم شد.

برای یک سال پیش‌رو برنامه‌های استان خراسان شمالی چیست؟
در حال حاضر مشغول برنامه‌ریزی برای سال آینده هستیم اما پس از وقفه‌ای دوساله، در سال آینده برپایی جشنواره تئاتر رضوی را در پیش خواهیم داشت که توافقاتش انجام شده است. امسال «جشنواره تئاتر مهر» را در ۷ استان برگزار کردیم که تصمیم داریم آن را هم ادامه دهیم. سعی خواهیم کرد در طول سال در حرکت‌های ملی و فرهنگی حضور داشته باشیم.



۴ گروه در جشنواره داریم که ۲ گروه از ایشان در بخش خیابانی هستند.

انتظار شما از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چیست؟
اقدامی که در زمینه توزیع فرصت‌های جشنواره بین‌المللی در همه شهرستان‌ها آغاز شده جای بسی امیدواری است. اولین درخواست ما از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسعه و ادامه این فعالیت در همه شاخه‌های هنر، است. حمایتی از هنرمندان برای رسیدن به حدود حرفه‌ای‌تری در تکنیک و محتوا و علاوه بر آن اعزام اساتید هنرمندان مرکز، به شهرهای مختلف در تمام زمینه‌های هنری. برای برپایی کارگاه‌های آموزشی نیز درخواست‌های دیگری است که انتظار داریم مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به این که استان گلستان از اولین استان‌های پیشنهاد دهندهٔ میزبانی جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر است چه اهدافی را از زمان اعلام آمادگی برای میزبانی در این استان دنبال کردید؟ هنرهای نمایشی در استان گلستان قدمت و پیشینه‌ای طولانی دارد و وجود گروه‌های فعال تئاتر در این استان گواه این ادعاست. هدف

اول ما از این حرکت: اول از همه تبادل تجربه و ارتقای تئاتر؛ از نظر علمی و فنی در این استان بود. هدف

دوم، بهره‌مندی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نمایش ملی نیازهای استان بود و هدف آخر ارتقای سطح فرهنگی استان است. به هر حال حضور آثار نمایشی با نام ملی و بین‌المللی، تراز فرهنگی و هنری استان را بالا خواهد برد. با توجه به این که برگزاری جشنوارهٔ فجر استانی برای اولین بار در بیست‌ونهمین دوره از جشنوارهٔ تئاتر فجر رخ داده است فکر می‌کنید حضور گروه‌های نمایشی جشنواره در استان‌ها می‌تواند به بحث تمرکززدایی از تهران و معطوف کردن نگاه‌ها به شهرستان کمک کند؟

ایران؛ فقط تهران نیست. وقتی سخن از رشد فرهنگی به میان می‌آید منظور رشد متوازن و متعادل است. برای تحول فرهنگی و هنری در درجه اول؛ باید زمینهٔ این تحول را در کل کشور ایجاد کرد. دنبال کردن سیاست رشد متعادل و متوازن هنر در سطح کشور فقط با توزیع عادلانه فرصت‌ها و سرمایه‌های مالی فرهنگ و هنر شکل می‌گیرد. برگزاری جشنواره در استان‌ها باعث می‌شود هنرمندان مستعد استان‌ها حداقل سالی یکبار با آثار برجسته در تعامل باشند. از سوی دیگر هنرمندانی که در جشنواره‌های منطقه‌ای شرکت کردند و آثار خود را با استان‌های دیگر مقایسه کردند در زمان برگزاری جشنواره هم زمینهٔ مقایسهٔ دیگری برای آن‌ها فراهم می‌شود تا جای‌گاه تئاتر استان را در سطح ملی و بین‌المللی هم ببینند. مادر حوزهٔ ورزش این فرصت را ایجاد کردیم و امروز در ورزش صاحب جای‌گاه هستیم. در حوزهٔ فرهنگ و هنر نیز باید به این سمت برویم. برای برگزاری مطلوب این بخش از جشنواره در استان گلستان، چه تمهیدها و امکاناتی را پیش‌بینی کرده‌اید؟ لزماً آن‌چه در برگزاری شایسته

این رویدادهای ملی و بین‌المللی اهمیت دارد بهره‌گیری از دو مولفهٔ امکانات فنی و نیروی انسانی مطرح است. ما تمام ظرفیت نیروی انسانی استان را به خدمت گرفته‌ایم. نیروهای باتجربه استان، که عمدتاً هنرمندان تئاتری استان هستند در بخش‌های مختلف مدیریت و اجرایی کار نامه‌در خشنای داشته‌اند که کار به خود آن‌ها واگذار شده است. «تار فخرالدین سعدی گرگانی» استان هم پس از مرمت و بازسازی مجدد در خدمت جشنواره بود. از جهت اسکان و پذیرایی هم سعی کردیم بهترین‌ها را برای هنرمندان عزیزی که به استان‌ها می‌آیند فراهم کنیم تا خاطرهٔ خوب و خوشی در ذهن آن‌ها باقی بماند. هماهنگی‌های لازم با مطبوعات و صدا و سیما جهت پوشش خبری این بخش از جشنواره هم صورت گرفت. در ضمن چون بیش تر اهالی شهرستان «گنبد» آذری زبان هستند ما پیشنهاد دادیم که نمایش گروه آذریا بجان. یک اجرا هم در گنبد داشته باشد که مقدمات این امر هم فراهم شد. امسال برای اولین بار سیاست استقرار گروه‌های تئاتری از سوی معاونت امور هنری ابلاغ شده است. پیگیری این طرح در استان گلستان در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

استان ما شاید اولین استانی باشد که در این زمینه اقدام کرده است. ما ۲۸ گروه را در سطح استان ساماندهی کردیم که لیست کامل آن را برای دوستان مرکز هنرهای نمایشی و معاونت هنری ارسال کردیم. ما این نگاه معاونت هنری را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم به موقع حمایت مادی و معنوی از این گروه‌ها صورت بگیرد. در راستای اهمیت به اجرای عمومی آثار نمایشی باید از جشنواره زدگی فاصله بگیریم که این طرح هم در همین راستاست. جشنواره باید تنها زمینه‌ای برای ارزیابی آثار باشد که در اجراهای عمومی از آنها حمایت لازم صورت گرفته است و امیدواریم این مهم، عملی شود. از نظر شما علاوه بر این طرح برای ارتقای سطح تئاتر استان‌ها چه تلاش‌های دیگری لازم است؟ یکی از موارد اساسی جدی گرفتن بحث آموزش به ویژه آموزش‌های کاربردی است. رشد تئاتر را می‌توان از این جشنواره به جشنواره بعدی؛ یا از این مرحله به مرحله بعدی؛ یا از این مرحله به بعد هم دید اما این رشد هم از بعد کُتی و هم کیفی باید صورت گیرد. در بعضی از این جشنواره‌ها دیده می‌شود سطح کارها قابل قبول نیست. ما باید برای آموزش بر اساس یک برنامه مدون عزم خود را جزم کنیم.

امسال یکی از سیاست‌های مهم معاونت امور هنری امسال استقرار گروه‌های تئاتری است؛ استان شما در این زمینه چه اقداماتی را انجام داده است؟ البرز چون استانی نویاست ما از لحاظ استقرار انجمن نمایش مشکل داشتیم که مسئول انجمن مشخص شد و هنوز منتظر ابلاغ حکم ایشان از سوی مرکز هنرهای نمایشی هستیم. همچنین شورای نظارت شهرستان‌ها و مرکز استان را مشخص کردیم و آن‌ها هم منتظر صدور احکام خود هستند. با این اقدامات مقدمهٔ تشکیل گروه‌های نمایشی هم صورت پذیرفته تا این گروه‌ها کار خود را به صورت هدفمند و در قالب گروه‌های نمایش شناسنامه‌دار آغاز کنند. من همیشه علاقه‌مند چنین اتفاقی بودم که خوشبختانه صورت گرفت تا گروه‌ها منسجم و به دور از پراکندگی هابی که همیشه بوده است آثار نمایشی خود را اسامان دهند.

برای اعتلای هنر تئاتر در شهرستان‌ها علاوه بر این طرح، شما چه برنامه‌های دیگری را پیشنهاد می‌دهید؟ مادر استان‌ها همیشه در دو حوزهٔ تفریحی و سخت‌افزاری مشکل داشتیم. از بعد تفریحی بحث آموزش و تربیت نیروی انسانی، تولید تئاتر و اهمیت به اجرای عمومی آثار نمایشی مهمترین و شناخته شده‌ترین این مشکلات است. مرحوم حسین بناهی یک جمله بسیار زیبا دارند که می‌گویند ما چه بسیار حافظانی داریم که یک بیت شعر هم نگفته‌اند» ما باید برای استعدادهای بالقوه و بالفعل خودبسترهای لازم را فراهم آوریم تا آن‌ها بتوانند کاری کنند کارستان. شما اگر به هنرمندان امروز تهران که نگاه کنید اغلب شهرستانی هستند ما باید به هنرمندان شهرستانی هم توجه کنیم و آن‌ها را هم به یاری بگیریم. امروز هزینهٔ تولید یک نمایش در تهران برابر با اعتبارات نمایشی چندین استان است. اگر به نسبت جمعیت یا جغرافیا هم حساب کنیم باید توزیع امکانات و فرصت‌ها به یک میزان باشد.

با توجه به اینکه فاصلهٔ استان البرز از تهران بسیار نزدیک است برای جذب هنرمندان تئاتری که اهل کرج هستند ولی در تهران فعالیت می‌کنند برنامه‌ای دارید؟ ما اگر بتوانیم ظرفیت‌های لازم را به وجود بیاوریم این اتفاق به صورت عکس امکان‌پذیر خواهد شد. همان‌طور که در موسیقی هم اکنون بسیاری از گروه‌های تهران در کرج برنامه‌های خود را اجرا می‌کنند. امیدواریم با فراهم آوردن بسترهای، برای نمایش هم این اتفاق صورت پذیرد.

غلامرضا منتظری

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان

ایران؛ فقط تهران نیست!



قادر آشنا

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز

پاسخی برای عطش

هنرمندان شهرستانی

مهدی نصیری



«کسوف» داستان عشق و درد است. داستانی که روایت همیشه بشر، یعنی در بند شرایط دشوار اجتماعی بودن، را نقل می‌کند. به همین دلیل هم بیش از آن که با ساختار قصه‌اش قصد جلب و جذب توجه مخاطب را داشته باشد، به واسطهٔ حسی انسانی و عمیق با مخاطب، درگیری و ارتباط ایجاد می‌کند. آدم‌های آواره و درد کشیدهٔ نمایش به همان اندازه که شناسنامهٔ فردی و مختص خودشان را دارند، به واسطهٔ درگیری با شرایط و وضعیت‌شان عمومیت پیدا می‌کنند و اثر، دردی همه‌گیر و بزرگ را با مخاطب به اشتراک می‌گذار. مرد افغانی و همسر ایرانی‌اش پس از بروز یک اتفاقی، دستگیر

نگاهی به‌نمایش «کسوف» نوشته و کار «ایوب آقاخان»

پرسه‌های باد بردامن خاک

شده‌اند و در دو محدودهٔ روایی موازی، بازجویی می‌شوند. این دو شخصیت؛ زندگی، شبکهٔ ارتباطات داستانی و حادثه را نقل و تعریف می‌کنند.

در اجرای کسوف تلاش می‌شود مفهوم مورد نظر در بستری مناسب بیان شود. شخصیت‌ها، جغرافیه، نوع روایت و حادثهٔ اصلی، هر یک، سایه‌ای از ایسن مفهوم را به همراه دارند. اما ظاهراً امکان بازگشایی درجه‌های راهنما برای نشان دادن و واسطه‌ای رزمه‌ها، به تنهایی، در اختیار نویسنده و کارگردان قرار ندارد. علی‌رغم این‌ها فضای خلوت و روایت سادهٔ ارتباط میان آدم‌ها آن قدر بی‌تکلف و صمیمی به نظر می‌رسد که هیچ‌کس در سطح شبکهٔ ارتباطات بیرونی روایت باقی نمی‌ماند و از همان لحظهٔ نخست به‌دل می‌نشیند. گویی آن که قصد دارد در ذهن و احساس مخاطب رسوخ کند و عمق پیدا کند. اما؛ شاید اگر این روایت درد

و تحلیل آن در شرایط، شکل کامل‌تری پیدا می‌کرد و در اجرا نیز به خلق فضایی قدرتمند منتهی می‌شد، ممکن بود نمایش بسیار موفق‌تر از این‌هم باشد. در این گستره، می‌توان به تحلیل ساختار اجرا در روایت موضوع پرداخت؛ آفاغانی بازجویی را به عنوان یکی از ساده‌ترین شیوه‌های ارائهٔ اطلاعات و پردازش روایت، محور ساختار قرار



داده است؛

تکنیک پردازش اطلاعات و ارائهٔ آن در این نمایش به همان اندازه که ساده انتخاب شده است، تأثیر و کارکرد پیدا می‌کند. درواقع علی‌رغم همهٔ محاسن آن، قرار گرفتن مبنا بر این شیوه می‌تواند در کلیت آن به یک آسیب تبدیل شود. کمّا اینکه آفاغانی با مهارت حوادث

و وقایع را در پس این گفتوگوی اجباری پنهان می‌کند و از ساده‌ترین جزئیات به نفع پرلنگیختن کنجگویی مخاطب سود می‌جوید. اما روایت مستقیم وقایع در مقابل چشم‌های تماشاگر حتی با این ترفند هم برای حفظ استمرار ارتباط میان صحنه و تماشاگر کافی به نظر نمی‌رسد. این در حالی است که تقریباً نیمی از زمان اجرا به پرسش و پاسخ میان بازجو و شخصیت‌های داستان اختصاص داده شده است. بررسی مشکل روایت در «کسوف» تا اندازه‌ای برای اثبات کاستی‌های عناصر ساختاری درام کافی به نظر می‌رسد. اما در عین حال پراگند عناصر اجرایی و ترکیب کلی نمایش به گونه‌ای است که این کاستی کمتر به چشم می‌آید. بنابراین باید گفت این نمایش، ویژگی‌های برجسته و مؤثر دیگری دارد که ضعف‌های ساختاری درام را در آن پوشش داده‌اند. در جستجو برای یافتن این پاسخ، ناگزیر به بازنگری می‌رسیم. حضور موفق «حمیدرضا آذرنگ» و «سیم ادبی» مهم‌ترین رمز موفقیت اجرای نمایش کسوف به شمار می‌رود. شیوهٔ کار ادبی و نوع بازی‌اش در کسوف، در کنار بازی ظریف و پر از احساس حمیدرضا آذرنگ آن چنان فضایی در کلیت و پراگند اجرا ایجاد می‌کنند که تماشاگر را تا پایان مجذوب و درگیر با روایت و

حوادث نگه می‌دارند و باید تأکید کرد همکاری آفاغانی با دو بازیگر نمایش‌اش به همین دلیل به موفق‌ترین حوزهٔ کار او در «کسوف» تبدیل شده است. ایوب آفاغانی، در جستجوی شیوه‌ای جذاب برای بیان مفاهیم و تدفیع‌های ذهنی‌اش از «فصل خون» تا «کسوف» به بیانی زیبا و شاعرانه دست پیدا کرده که کمتر درام‌نویس ایرانی تا به‌حال در ترکیب آن با مؤلفه‌های درام، موفق نشان داده است. کسوف این لحن را هم چون «فصل خون» در ترکیب با برخی موتیف‌ها و نشانه‌های مهم معنایی به زیبایی در اختیار گرفته است. زبان و لحن روایت کسوف هرجا که به حقیقت و انسانیت نزدیک می‌شود، خودش را در پس کلام و گفتار شخصیت‌ها به نمایش می‌گذارد و آن‌جا که می‌خواهد نشانه و رمز را در گسترهٔ مفاهیم به عمق برساند از جغرافیا و طبیعت و گستره‌ای که حاکم بر شرایط و انسان است وام می‌گیرد. یاد و خاک در این بستر معاشناختی هویتی دیگرگونه پیدا کرده‌اند و دارای شخصیتی شده‌اند که مشخصه‌های دراماتیک آن کمتر از کارکرد دراماتیک شخصیت‌ها هم نیست. اما بهتر بود که بخشی از این کارکرد زیبایی‌شناسانه در طراحی صحنهٔ نمایش نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

نگاهی به‌نمایش «مقتل»

به کارگردانی محمود فرّار رحیمی

هم‌نشینی تعزیه و روزمرگی

علیرضا رحیمی

یکی از بنیادی‌ترین مباحثی که دربارهٔ اجراهای «مقاتل» و تعزیه روی صحنهٔ تئاتر حرفه‌ای شکل می‌گیرد میزان نزدیکی و یا دوری آن اجرا از قواعد درام است. این که یک اجرا، تا چه حد می‌تواند نو و به آستانهٔ درام نزدیک شود مسئله‌ای است که کشمکش و تأملات خاص خود را می‌طلبد. وام گرفتن از امکانات این نمایش یک مسئله است و رجوع و اجزای آن روی صحنه هم مسئلهٔ دیگری است؛ که این دومی اساساً چالش‌های معرفتی پیچیده‌تر و کلان‌تری را از اولی ایجاد می‌کند. کاری که محمود فرّار رحیمی انجام داد، در ابتدا اجرای مقاتل و نسخ تعزیه، بدون درآی تغییر است. پس او از امکانات این نمایش سوگ‌آور ایرانی استفاده نکرده؛ بلکه ارادهٔ او اجرای عینی مقتل بوده است.



تعزیه متمایل شده و باز به دلیل فلسفه‌ای، که بیش‌تر پسامدرن است تا پیشامدرن، در فاصله‌ای بعدی با این شیوهٔ شرقی قرار گرفته است. اما اجرای رحیمی به دلیل خاصیت آزمایشگاهی و دانشجویی‌اش قابل فهم است؛ چرا که تماماً در فضایی تجربی و آموزشی تعریف شده است و از هر ادعای کلانی دور است. همین مسئله باعث فهمیده‌شدن نمایش و تحمل‌پذیر بودن آن می‌شود. اما در نمایش جیمی تکنه‌ای اساسی‌تر از این ملحوظ است. او با انتخاب صحنه‌هایی روزمره به طور موازی، در کنار مقتل‌ها، گامی مهم در فضای رسمی و اجرایی تئاتر ایران برداشته است؛ رحیمی با نمایش زندگی یک دختر کم‌بخت و یک زن و شوهر امروزی، در واقع اشاره‌ای زمینی و در دسترس از داستان‌های مقاتل استخراج کرده است، تا جهان فرا انسان‌گرایانهٔ تعزیه در محیط زندگی روزمره فهم شود. همین تلاش هر چند نحیف و ابتدایی، تعزیه را زاویه می‌بخشد و وحدت تک‌بعدی آن را، کثرتی شخصی‌تر می‌بخشد. اگرچه تحلیل رحیمی در امتداد جهان تعزیه است اما به سبب نفس زمینی و نمایش انسان‌های روزمره و معاصر و ارتباط مضمونی آن‌ها واجد اهمیت است. این که این ارتباط بیش‌تر مضمونی است و با جهان ایده‌ها در ارتباط است نکتهٔ قابل توجهی است. چرا که پیش‌تر معضلات ارتباطی ما با نمایش‌های شرقی کهن، طبق اشاراتی که در این نوشته کوتاه آمد در ساحت ایده‌ها است. آن چه نمایش‌های شرقی برای نو شدن و زنده‌ماندن در جهان معاصر نیاز دارند، نه بگیری صوری شیوه‌ها و روش‌های اجرایی آن‌ها در جهان درام، بلکه پیش از آن دگرگونی و چالش با جهان ایده‌ها و حکمت‌های آن است.

حکمت و هستی تعزیه وابسته به اعتقاد و باورهای تماشاگرانش است. عالم تعزیه با نوع و سطح ادراک توده‌ها و فلسفهٔ زیستی آن‌ها ارتباط دارد کم نبودند کارگردان و منتقدین اروپایی تئاتر که با دیدن تعزیه به عنوان یکی از چندین نمونه نمایش‌های شرقی، برای بازآفرینی یا تبیین آن در جامعهٔ غربی تلاش کردند. اما نتیجه چه بود؟ تناثری بدون هویت؛ چرا که اساس و ریشهٔ تعزیه، عالمی تهی از گفتوگوی انسان شرقی است؛ نه جهانی انسان‌گرایانه که مبنایی وابسته به ادراک شفاف و آیین انسانی دارد. بسیاری از غربی‌ها تعزیه، و به طور کلی نمایش‌های شرقی، را به عنوان جانشین مدرنیسم اروپا در تئاتر قرار می‌دادند؛ بی آن‌که به جهان سوگوار این نمایش و ریشه‌های تک‌قطبی آن توجه داشته باشند. پس تحول و دراماتیک کردن مقاتل و نمایش تعزیه بدون ترک ریشه‌های آن و سپس دگرگون کردن و انتقالش از جهانی سنتی به جهانی مدرن – که تنها سیر ممکن است – امکان‌پذیر نخواهد بود. عدم طی شدن این سیر باعث می‌شود تا آنچه به صحنه می‌آید فرزندی ناقص الخلقه باشد که نه سنتی است؛ نه مدرن، نه درام است و نه از هویت معرفتی و توده‌ای تعزیه بهره برده است. محمود فرّار رحیمی مقتل را به شیوهٔ بیان بسدن و حرکت، اجرا کرده است. از این جهت او متوجه پیوده که تبدیل مقتل به متنی دراماتیک با جهان انسان‌گرایانه احتیاج به امکاناتی دارد. عنوان ساختار شکنی بنیادین و بسستر آمادهٔ اجتماعی – که رحیمی در دسترس‌اش نیست لذا اثر او با شیوه‌ای که تدفیع اصلی‌اش است، یعنی، هنر اجرا و حرکت – تئاتر – پس‌امدراماتیک – به سمت

گفت و گو با حمید رضا اردلان
رئیس یونیمای ایران

گامی جدی برای شکل گیری دفاتر یونیمادر شهرستان ها

زهرایشان فر

در طول برگزاری جشنواره فجر استانی نمایش خیمه شب بازی «از دواج پر ماجرا» به کارگردانی حسین ربیعی، نمایش خیابانی «مبارک و مردم» به کارگردانی «فلور ماری فونتس» و فرحناز بهزادی، خیمه شب بازی «گل باقالی» فرزند نمونه» به کارگردانی بهناز مهدی خواه نمایش «نوازندهای که ماه را نواخت» به کارگردانی حسین چراغی، نمایش «فرجام فر» به کارگردانی محسن رنجبر، نمایش «دختران باغهای قالی» به کارگردانی افسانه زمانی اجرا شد و همچنین دو کارگاه تخصصی آموزش نمایش عروسکی توسط فرحناز بهزادی و پویک عظیم پور در موضوع های: آموزش و ساخت عروسک های نمایشی، شناخت انواع نمایش عروسکی، شناخت عروسک های آیینی ایران، عروسک های خیابانی یا مصادیقی از گروه نمایش «فان و عروسک» پیتر شومان، در شهر رشت برگزار شد.

«و توجه به انسان در جوامع» شعار یونیماست سهمی انواع نمایش عروسکی را داشته باشند. سومین ملاک آن نگاه دوباره به تئاتر عروسکی توجه کردیم. در ایران بیش از ۲۰۰ نوع عروسک وجود دارد در حالی که امروز همه چیز تنها حول خیمه شب بازی جمع شده و بقیه همچور مانده اند. تاکنون سعی کردیم خودمان را متوجه کنیم که تئاتر تنها در تهران نیست. هر هنرمندی که کار تئاتر می کند سعی دارد در جهان، آن را زنده کند و کمتر کسی کارش را به روستا می برد. سعی کردیم برعکس به خود ایران نگاه داشته و به میان مردم رفتن را تشویق کنیم.

این ترتیب آثاری انتخاب شد که تنوعی از گونه ها و برای ایجاد دفاتر شهرستانی را مطرح کردم که مورد استقبال هم قرار گرفت اما هنوز عملی نشده است. **■ نقش «مبارک یونیمای» در انتخاب نمایش های عروسکی چه بوده است؟**
هیات مدیره مبارک یونیمای بررسی کرد و مجموعه ای از نمایش ها را مرور و در نهایت تعدادی را برای اعزام انتخاب کرد. در این انتخاب ها سه معیار اصلی داشتیم: اول حد کیفی نمایش ها و دوم، این بود که گستره ای از مفاهیم را در بر بگیرد، مفاهیمی از سنت تا مدرنیته را در حوزه تکنیک پوشش بدهد که به

غیردولتی است و به همین دلیل هم باید منبع درآمد داشته باشد. حق عضویت ها و کمک هایی که دریافت می کنیم این نهاد را شکل می دهند. **■ آیا برنامه ریزی گسترده تری برای ملاقات هنرمندان عروسکی و تماشاگران استان های دیگر صورت گرفته است؟**
به زودی در استان های سیستان و بلوچستان و کردستان نیز دفاتر یونیمای تشکیل خواهد شد. **■ مدتی پیش هم از شکل گیری یونیمای خراسان جنوبی خبر داده بودید؟**
برای شرکت در نمایش به بیرجند رفته بودم و آنجا

یونیمای ایران دو سال تعطیل بود اما، در دور جدید با پرداخت حق عضویت ها و برپایی انتخابات و مشخص شدن هیات مدیره، دوباره فعال شد و این گونه دوباره به جامعه جهانی تئاتر عروسکی وصل شدیم. پس از این بود که برنامه یک ساله ای تدوین شد که یکی از موارد آن گسترش تئاتر عروسکی در استان ها، شهرستان ها و روستاهای کشور بود. از این رو دفتر مبارک یونیمای در یکی از روستاهای چهارمحال بختیاری؛ به نام «ده چشمه» از توابع فارس ان فعال شد. امسال نیز دفتر گیلان هم زمان با برپایی جشنواره تئاتر فجر افتتاح شد. برای هر کدام از دفاتر مجموعه ای از کارگاه ها و اجراها انجام خواهد شد. این کارگاه ها به شناخت تئاتر عروسکی و انواع عروسک ها اختصاص دارد. برای همین ما در بیست و نهمین دوره جشنواره تئاتر فجر شاهد اجرای برنامه های مفصل؛ در شاخه ایران اتحادیه جهانی نمایشگران عروسکی (مبارک - یونیمای) بودیم. یادکتر حمیدرضا اردلان؛ رئیس یونیمای ایران، در این زمینه گفتگویی انجام دادیم.

■ انتخاب موضوع کارگاه های آموزشی به چه صورت بوده

و چه تحقیق هایی در این خصوص صورت گرفته است؟
یک نکته اساسی وجود دارد، افرادی که مخاطب ما هستند یا با تئاتر عروسکی آشنایی ندارند و یا دارند برای دسته اول شکل گیری کارگاه ها ضروری است و برای آن هایی هم که آشنایی دارند تلاش شد پیوند بین تئاتر منطقه با تئاتر های مدرن جهان صورت بگیرد. از این رو به دنبال بررسی و شناسایی تئاتر عروسکی بومی تطبیق آن با آیین های مدرن رفتیم. می خواهیم هنرمندان بدانند که باید به فرهنگ بومی خود توجه کنند. البته موضوعات معاصر هم با تکیه بر آیین های گذشتگان می تواند شاداب ارائه شود.

■ چرا این بخش از جشنواره در استان گیلان برگزار شد؟

دو دلیل عمده وجود داشت: ابتدا این که تقاضای هنرمندان این استان منجر به استان های دیگر بود و ما به سرعت توانستیم با جامعه عروسکی این استان ارتباط برقرار کنیم و خالص ندری به عنوان مسئول یونیمای همکار ما شدند. همکاری انجمن هنرهای نمایشی استان خیلی با یونیمای برقرار شد. دلیل دیگر این بود که مرکز توانست رابطه ما را با اداره کل ارشاد اسلامی استان برقرار کند و آن ها هم از این رویداد استقبال کردند. یونیمای مرکزی مردم نهاد و

اجراهای بخش نمایش نامه خوانی بیست و نهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر از ۱۶ بهمن در کارگانهمایش مجموع تئاتر شهر آغاز شد و امروز پس از خوانش ۱۲ متن در میان شور و استقبال تماشاگران به کار خود پایان داد. آنچه در پی می آید گفت و گوهای کوتاهی با عوامل اجرایی سه متن این بخش است.

نمایشنامه خوانی
کارگردان دو آدم خجالتی

نمایشنامه خوانی هنوز جانيفتاده است

ارشام مودیبیان در بخش نمایشنامه خوانی جشنواره امسال با کارگردانی نمایش «دو آدم خجالتی» اثر «لوژن لابیچ» حضور دارد. از او درباره حال و هوای این اثر جويا شدیم.

«داستان نمایشنامه درباره دو مرد است که مدام از یکدیگر خجالت می کشند. همین موضوع فضای اثر را به کمدي نزدیک می کند. با وجود گروهی جاقفاده و حرفهای سعی کردیم از اجرای این اثر لذت ببریم. فکر می کنم که کار موفقی باشد. با این حال فضالت درباره اثر را به عهده مخاطب می گذارم اما درباره نمایشنامه خوانی و شیوه آن باید بگویم سعی کردیم در این اجرا قانونی را که برای نمایشنامه خوانی در ایران گذاشته شده رعایت کنیم. بار پیش در نمایشنامه خوانی «زندگی یک هنرمند» که در تالار مولوی اجرا شد سعی کردم فقط از طریق خوانش، حس اثر را به مخاطب القا کنم. این را هم اضافه کنم که در همه جای دنیا رسم این است که یک نمایشنامه را پیش از اجرا فقط اجرای خوانشی می کنند و پس از آن اگر مورد قبول تماشاگران واقع شد روی صحنه می برند. خوب است که این اتفاق در کشور ما هم بیفتد. احساس می کنم که گونه نمایشنامه خوانی هنوز در کشور ما جانيفتاده هم برای مردم و هم برای بازیگرها. گاهی یک بازیگر ممکن است فکر کند که نمایشنامه خوانی کار ساده است. پس باور می کند با یکی دو روز تمرین مهارت کافی بدست خواهد آورد. در حالی که من فکر می کنم نمایشنامه خوانی از اجرا سختتر است چون در اجرا عوامل زیادی هست که به بهتر جلوه دادن اثر کمک می کند اما در نمایشنامه خوانی تنها سلاح یک بازیگر فن بیان اوست. در انتها هم باید بگویم که فکر می کنم مرکز هنرهای نمایشی می تواند بیشترین کمک را به این هنر بکند. اگر مرکز هنرهای نمایشی به نمایشنامه خوانی اعتماد نکند توجه بیشتری به این گونه از تئاتر داشته باشد این هنر در کشور ما آینده روشنی خواهد داشت.»

نمایشنامه خوانی
نویسنده و کارگردان باگانه

نمایشنامه خوانی جایگزینی برای مطالعه

هنگامی که برای دهمین نمایشنامه خوانی باگانه رفتید بدانید که این نمایشنامه به گفته نویسنده اش موضوع واقعی ندارد. در واقع این نمایشنامه چند موضوع را با هم ادغام کرده است.

مجبوری رفیعی نویسنده و کارگردان باگانه چنین می گوید «می شود گفت در متنی که نوشته ام همه شخصیت ها در یک فضای زبانی سیر می کنند و اتفاق اصلی در زبان نمایشنامه می افتد یعنی این که آدم های این نمایشنامه در دنیای زبان زندگی می کنند نه در دنیای واقعی» در ضمن این نمایشنامه طنز است و کارگردان، بسیار کم، کوشیده است تا اثر را به اجرا نزدیک کند. به قول خودش قرار است تا یک نمایشنامه فقط خوانده شود و اگر قرار باشد که از نشانه های اجرایی در آن استفاده شود دیگر نمی بایست نام نمایشنامه خوانی روی آن گذارد. او می گوید «درست است که نمایشنامه خوانی، در واقع، یک نوع اجرا محسوب می شود اما باید در نظر داشته باشیم که در این گونه، مخاطب پیش از هر چیز بایست بشود تا آن که ببیند» رفیعی درباره جایگاه نمایشنامه خوانی در عرصه تئاتر کشور می افزاید «همان طور که آمارها نشان می دهند سرانته مطالعه در کشور ما بسیار پایین است و این در همه قشرها وجود دارد به عنوان نمونه؛ پزشک ها، مهندس ها و همین طور ای آخ، قاعدتا در میان تئاتر می اهم کسانی هستند که به مطالعه کم لطفی می کنند. چه در بین کسانی که به صورت حرفهای تئاتر کار می کنند و چه در بین مخاطبان. نمایشنامه خوانی می تواند معرف آثار برجسته ادبیات ایران به کسانی که آن ها را نخوانده اند باشد. هر چقدر فضای نمایشنامه خوانی را در کشور مان گسترش دهیم با آثار جدیدتری آشنا می شویم و من فکر می کنم که این گونه از تئاتر می تواند جایگزین مناسبی برای مطالعه باشد.»



نمایشنامه خوانی
کارگردان نمایشنامه خوانی بازگشت به خانه

نمایشنامه خوانی پلی برای اجرای صحنه ای

بازگشت به خانه نمایشنامه ای رئالیستی درباره رویدادهای زندگی یک خانواده ایرانی در مسستان سال ۶۵ است. به طور کلی وضعیت نمایشنامه خوانی در کشور ما چگونه ارزیابی می شود؟ نمایشنامه خوانی بازگشت به خانه در نزدیک شدن به اجرای صحنه ای چقدر موفق بوده است؟ این اثر در بخش نمایشنامه خوانی جشنواره امسال اجرا خواهد شد؛ توضیح پیش تر را درباره آن از زبان شیرین بیده کارگردان آن، بخوانید. «بازگشت به خانه یک اثر رئال است و زندگی یک خانواده ایرانی را در مسستان سال ۱۳۶۵ روایت می کند. پدر خانواده یک پزشک جراح است

که دو پسر دارد. داستان زمانی آغاز می شود که پسر بزرگ خانواده، پس از یک سال غیبت، مدتی است به خانه بازگشته و خانواده اش از وضعیت یک سال گذشته او بی خبرند. این نمایش به مشکلائی می پردازد که باعث گریز این پسر از خانواده شده و مبنای این اشکال هم بیش تر تحت تاثیر رفتار پدر بوده است. از طرفی پدر خانواده هم برای رفتار خود دلایل به ظاهر موجهی دارد. درباره اجرا هم باید بگویم؛ خلافت های بسیاری مدنظر م بود که زمان زیادی را هم برای آن صرف کردم. قرار بود طبق این داستان

پشت، سر هر نقش خوان یک قاب پنجره داشته باشیم و یک پروانه گوشه هر کدام از این پنجره ها نشسته باشد. از طرفی دوست داشتم که در حین اجرا از موسیقی و نورپردازی مناسب هم استفاده کنم اما آقای باختری با این کار موافق نبودند و ترجیح دادند که بازیگران تنها برای انتقال حس داستان، از فن بیان شان استفاده کنند. البته این که می خواستم از دکور و موسیقی در صحنه استفاده کنم به هیچ وجه باین معنای بود که هنر پیشه ها در اجرا ضعیف هستند. بازیگرهای این اجرا حرفهای هستند و قدمدن از انتخاب ایشان

برای جلوه دادن زیباتر به صحنه بود. در کشور ما سرانته مطالعه بسیار پایین است و مردم ما شنیدن را بیش از خواندن دوست دارند. نمایشنامه خوانی فرصت مناسبی را در اختیار این افراد قرار می دهد تا با آثار خوب در زمینه نمایشنامه آشنا شوند. اما غیر از این برای کار و فعالیت ما هم فرصت مفتنمی است. چون نمی توانیم اجرای صحنه ای بگیریم به نمایشنامه خوانی می توانیم پلی باشد برای رفتن به پله های بالاتر. نمی شود روی این پل ایستاد اما می شود از روی آن رد شد برای گرفتن اجرای صحنه ای.»

عکس نگاری



استقبال مردم گیلان
از برگزاری جشنواره تئاتر فجر
و اجرای نمایش های غروسکی



صحنه ای از اجرای رول عادی (محمد رضا خاکی) اجرا شده در بخش استانی جشنواره



اجرای نمایش غروسکی در بخش استانی جشنواره تئاتر فجر



اجرای نمایش قصه های من و تو و شاختانه (مریم معترف) در بخش استانی جشنواره تئاتر فجر



کارگاه آموزشی جشنواره تئاتر فجر با موضوع دراماتورژی و هدایت استعانت سوشکه
کارگردان و دراماتورژ آلمانی - تالار مولوی



روی فرآنی
کارگردان فرانسوی همراه
با شرکت کنندگان کارگاه
آموزش متد بازیگری
آگوستو بوال
سالن قشقای تئاتر شهر

دور دنیا

تئاتر خان بیکلی

تئاتر عرب در سالهای اخیر با رشد چشمگیری روبرو بوده است و برگزاری جشنوارههای معتبر بین المللی زمینههای به وجود آمده که برایشان باعث تعامل تئاتر روز جهان شده است در ادامه دو نمونه از معتبرترین جشنوارههای تئاتری دنیای عرب معرفی خواهد شد که در نوع خود ممکن است برای هنرمندان تئاتر مامفید باشد.

را تجربه کردند و دیدگاههای خود پیرامون هنر و زندگی را در چنین قالبهایی حیات بخشیدند. ماروچ عربی، قالبهای بومی همچون تعزیه را برای آفرینشگری برگزید و نمایشنامه نویسنی همچون عبدالرحمن شرفاوی (مصر)، محمد علی حافظی (عراق)، محمد راضی شرف الدین (سوریه)، محمد عزیز (تونس) آثار درخشانی در این زمینه خلق کردند.

عنوان هنر وارداتی، توسط مسیحیان آشنا به تئاتر و شیوههای اجرایی در اوایل قرن ۱۹ از غرب به کشورهای عربی وارد شد و اولین اثر تئاتری، نمایشنامه ای از مولیر بود که با نام «حسین در سرزمین سوریه» همی قدیم - مشتمل بر سوریه فعلی، لبنان، اردن و فلسطین - روی صحنه رفت. هنرمندان عرب شیوههای شبیه به آدانتاسیون مالز نمایشنامههای غربی،

نمایشهای آیینی، اسطورههای در مصر باستان ترکیبی از حرکات مسوزون آیینی و آواز بود. اجرای نمایش، فرضیه ای مقدس به شمار می رفت و بازیگران، ستایش گران ارواح نیکوکار بودند و بازیگری نوعی شغل به حساب می آمد. نمونههای دیگری از این سنتهای نمایشی را می توان در جای جای سرزمینهای عربی نیز شاهد بود. اما تئاتر، به

جشنواره بین المللی تئاتر عمان

کاتر تئاتر، که فعالیت اصلی جشنواره محسوب می شود؛ بخش فیلم، کنسرت موسیقی و نمایشگاه نیز برگزار می شود. زبان در اغلب آثار اجرایی به عربی و انگلیسی بوده و کشورهای مصر، سوریه، لبنان، فلسطین، سوئد، ترکیه و ایتالیا در آن حضور مستمر داشته اند.

دوره بعدی این جشنواره در سال ۲۰۱۱ از اول تاسی ام اپریل برگزار می شود.

Amman International
Theater Festival
(AITF)
ارتباط با جشنواره:
Email: info@arabttc.org
Arab Theater Training Center
ATTC
P.O. Box ۵۵۰۷۴۹
Amman, ۱۱۱۱۸۵ Jordan
۵۷۱۶۶۶۷۶ ۹۶۲۲ .Phone

در سال ۱۹۹۳ گروهی از هنرمندان اردنی انجمنی تشکیل دادند که در وزارت فرهنگ با عنوان «ان جی-ا» به ثبت رسید و بعدتر با عنوان دیگری به معنی فالوس مشهور شد. در سال ۱۹۹۴ این گروه نخستین تئاتر اردن را منتشر کرد و همان بیانیه انگیزهای شد برای تولد جشنواره بین المللی تئاتر اردن؛ که تنها رویداد هنری غیر دولتی در خاورمیانه و شمال آفریقا شد.

این جشنواره که تا امروز به صورت سالیانه برگزار شده، عرصه ای است برای هنرنامه ای گروههای مستقل تئاتری و از همان نخستین سالهای برگزاری؛ محلی برای گفت و گوهای دموکراتیک بین تئاتر عرب و تئاتر بین المللی به شمار آمده است. تا کنون ۱۶ دوره از این جشنواره برگزار شده و بیش از ۲۰۰۰ اجرا و ۵۰ کارگاه آموزشی و تعداد زیادی سمینار و جلسه بحث و بررسی از کشورهای عربی و نیز سایر کشورهای جهان در آن برگزار شده است. در



جشنواره بین المللی تئاتر تجربی قاهره/مصر

جشنواره بود. موضوع اصلی سمینار نیز همین رویداد بود که سه دیدگاه را بررسی می کرد: تئاتر بصری و نگاه کارگردانان، طراحی صحنه و نمایشنامه نویسان در کشورهای گوناگون و ویژه دنیای عرب. صاحب نظران از سراسر دنیا در این سمینار حضور داشتند و با حضور یک نفر به عنوان مدیر جلسه موضوعهای مورد نظر توسط کارشناسان و اساتید به بحث و بررسی گذاشته شد. بیست و سومین دوره از این جشنواره امسال در ماه اکتبر برگزار خواهد شد.

ارتباط با جشنواره:
The Cairo international
festival for experimental
theatre
cdf@cdf-eg.org
http://www.cdf.gov.eg

این جشنواره به صورت سالیانه در ماه اکتبر و در شهر قاهره برگزار می شود و بودجه آن توسط مرکز توسعه فرهنگی مصر تامین می شود. در بیست و دومین دوره آن که در سال ۲۰۱۰ از تاریخ ۱۰ تا ۲۰ اکتبر برگزار شد، حدود ۳۳ گروه تئاتر از ۲۱ کشور جهان نظیر آتریش، کانادا، یونان، کنته، فرانسه، ایتالیا، سوئدان، اسپانیا، لهستان و ترکیه حضور داشتند.

جوایزی که در این جشنواره به برندگان اهدا می شود شامل؛ جایزه بهترین اجرا، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگران زن و مرد، بهترین متن و بهترین کار گروهی می باشد که در سال گذشته این جوایز به ترتیب به کشورهای تونس، مالدیو، تونس، ساحل عاج و لهستان تعلق گرفت. در کنار اجرای تئاتر بخشی از جشنواره به برگزاری سمینارها اختصاصی می یابد. رویداد به تئاتر بصری از موضوعات مهم مورد توجه در آخرین دوره

حرفه: کارگردان

ان بوگارت

سارافعلی

ان بوگارت با پیش از سی سال فعالیت مستمر و آفرینش بیش از صد اثر نمایشی، به عنوان کارگردان و معلمی نوگرا که شیوه‌های آموزش تئاتر در آمریکا را دست‌خوش تغییر کرد، شناخته شده‌است. او دو سال پس از فارغ‌التحصیلی در رشته ی کارگردانی و در گرایش تازه تاسیس تئاتر تجربی، از دانشگاه نیویورک، تدریس و کارگردانی را آغاز کرد در سال ۱۹۸۴ با اجرای نمایش «فیلوس آرام جنوبی» برندهٔ جایزهٔ «جسی» شد. همچنین در سال ۱۹۸۸ با اجرای «نه نمایشی، نه شعری بلکه…» جایزهٔ «ووبی» را برای بهترین کارگردانی به دست آورد و چهار سال بعد هم اجرای «والس بالتیمور» دومین جایزهٔ او را برایش به ارمغان آورد.

سوزوکی ۱۹۹۲ «ان بوگارت» به همراه کارگردان مشهور ژاپنی «تاداشی سوزوکی» برای آموزش هنرمندان جوان، آفرینش پرفورمنسی و همکاری‌های بین‌المللی، موسسهٔ بین‌المللی تئاتر «ساراتوگا» را تأسیس کرد.این موسسه، بستر مناسبی را برای ادامهٔ فعالیت‌های اجرایی و بسط نظریات وی پیرامون کارگردانی فراهم آورد.

بوگارت به عنوان یکی از کارگردان‌های تاثیر گذار نیویورک در سال ۲۰۰۲ مورد تقدیر قرار گرفت وی پیکرهٔ اصلی آثار خود را بر اساس شش ویژگی عمده طبقه‌بندی کرده‌است:

اکتشاف آثار کلاسیک؛ در بیش تر موارد استفاده از شاه‌کارهای نمایشنامه-نویسان آمریکایی قرن بیستم، استفاده از مکان‌های منحصربه‌فرد، فضاهای اجاره‌ای اطراف نیویورک، که به‌ویژه در تجربه‌های اولیه‌اش نقش عمده‌ای داشته‌است. استفاده از حرکات موزون/تئاتر؛ آثاری که بیش‌از اتکا به متن بر پایه‌ی حرکت شکل می‌گیرند

همکاری با نمایشنامه‌نویسان معاصر؛ از جمله، مک‌ولمن، ادوارد ماجادو، چارلز می، نائومی لیروکا و پائولا ووگل

بهره‌گیری از تئاتر -موسیقی، بهره‌گیری از اپرای معاصر

این تقسیم‌بندی نمایان گر گسترهٔ وسیع، و در مواردی نامتجانس، از علایق بوگارت در کارگردانی است. علایقی که به واسطهٔ کنجکاوی سیری‌ناپذیر او، اعتقادش به کار گروهی و پی‌گیری یک گروه دائمی برای تولید آثار نو را در یک جا گرد هم آورده‌است. بیش‌تر آثار تولید شده توسط این موسسه در فرآیندی تحقیقی پیرامون سه جنبهٔ مشخص شکل میگیرند:

نخست، پرشنی اجتماعی یا سیاسی که برخاسته از تجربه‌های شخصی‌اش است؛ دوم، یک الگو که معمولاً برگرفته از یک چهرهٔ فرهنگی -هنری برجسته است؛ و سوم، یک ساختار برای شکل‌دادن به نمایشی است که معمولاً از آثار دیگران اقتباس میشود. هر اثر بوگارت از سه متن نیمه‌مستقل تشکیل شده‌است، یکی شامل متن زبانی که آمیخته‌ای از نقل قول‌هایی است که در مرحله‌ی اول تحقیق جمع‌آوری شده‌اند؛ دیگری نیز آمیزه‌ای از متن نمایشی، رفتار، حرکات و کنش‌هایی است که با دقت در تمرین‌ها توسط بازیگران طراحی شده‌اند؛ و در آخر هم متن طراحی، که شامل طرح ساده صحنه، لباس، نور و جلوه‌های صوتی است. ان بوگارت در طراحی میزانشن، از انتقال

کامل آن منطقی که این سه متن را به یک‌دیگر مرتبط میسازد -به‌منظور فعال -سازی نقش مخاطب و بالا بردن میزان مشارکت وی در شکل‌گیری نهایی اثر- اجتناب میکند؛ لذا گاهی بخش و یا در مواردی، تمثلی این منطق از مخاطب دریغ میشود و بدین طریق فرصتی برای ساخت معنا، مشارکت و واکنش به مخاطب داده میشود. از این روی میتوان آثار بوگارت را پست مدرن نامید.

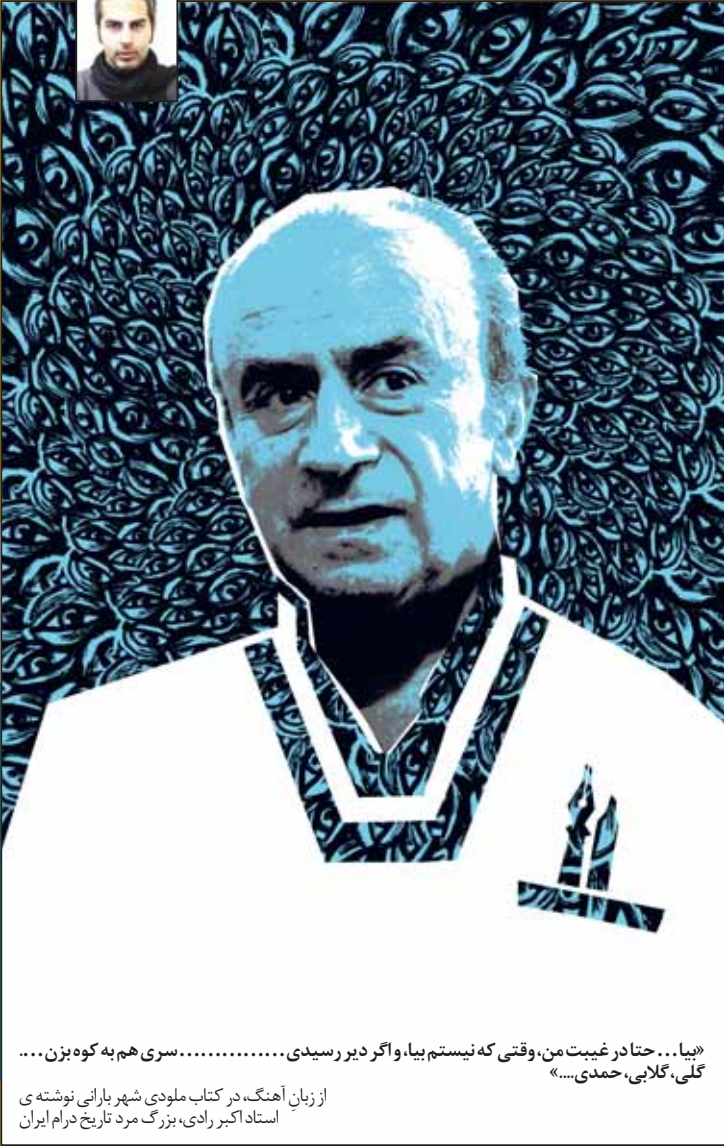
بوگارت در اوایل دهه هشتاد میلادی در دانشگاه نیویورک با «مری اورلی» ایتاگر حرکات مسوزون ملاقات کرد که

این ملاقات منجر به همکاری آن دو و همچنین تأثیرپذیری بوگارت از نظریه ی «شنس دیدگاه» اورلی پیرامون کوبویوگرانی شد. در سالهای بعد بوگارت از نظریهٔ اورلی در مورد شنس عنصر اساسی حرکات موزون، برای آموزش تئاتر و کارگردانی تحت عنوان «دیدگاه‌ها» الگوبرداری کرد. به عنوان نشانه‌های ساده حرکی در زمان و فضا، استفاده از دیدگاه‌ها، رابطهٔ فضایی، فرم محوطه اجرا، معماری، تکرار، رفتار، ضرابهنگ، بازهٔ زمانی و واکنش حرکنسی امکان آن را فراهم میکند که بازیگران حضور خود را با صراحت و شفافیّت تبیین کنند و به یک واژه نامه مشترک دست یابند و از این طریق هر چه سریع‌تر فرم را شکل دهند و ضرابهنگ پرفورمنس را دست‌خوش تغییر کنند. در واقع دیدگاه‌ها یا همانطور که وی بعدها از آن به عنوان «ترکیب بندی» یاد می‌کند شیوه‌ای است برای خلق قطعات کوتاه، سریع و تأثیرگذار که به عنوان مواد خام یک قطعهٔ بزرگ‌تر و در حال گسترش، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

علاقهٔ همیشگی و البته مهمترین دست‌آورد بوگارت آن است که ظرفیت بازیگران و مخاطبان را برای توجه کردن بدون ارادهٔ قبلی افزایش دهد و آنها را به سوی دیدن، گوش دادن، حس کردن و واکنش نشان‌دادن به آن‌چه که در محیط پیرامون‌شان در حال رخ دادن است، سوق دهد. از این منظور میتوان بوگارت را مدافع آثار گاهی نامید.



طرح فرشاد آل خعیس



«بیا... حتا در غیبت من، وقتی که نیستم بیا، و اگر دیر رسیدی..... سری هم به کوه بزَن گلی، گلایی، حمدی....»

از زبانِ آهنگر، در کتاب ملودی شهر بارانی نوشته ی استاد اکبر رادی، بزرگ مرد تاریخ دِرام ایران

<div></div> <div>روزنامه</div> <div>جشنواره</div>	
<div><div> </div><div><div>سرتعلی</div></div><div><div>ویراستار:ناصر حبیبیان</div></div><div><div>مدیر فنی و ناظر چاپ:محمدحسین دوست محمدی</div></div><div><div>امور چاپ: حوض فیروزه</div></div><div><div>امور فنی و رایانه: امین بادبی</div></div><div><div>بایسپاز افشین خورشید باختری، جلال</div></div><div><div>تجنگی، یزدان عشیری ، مهدی حاجیان،</div></div><div><div>حسین مسافر آستانه، صادق داوری فر، علی</div></div><div><div>جانب الهی، آرزو حمیدرضا خاتونی</div></div><div><div>محررم دبیر ختله بیست و نهمین جشنوارهٔ بین المللی تئاتر فجر</div></div></div>	<div><div> </div><div><div>تقدیر رضا آشفته اشکان غفار عدلی،</div></div><div><div>علی قلی‌پور، رامتن شهبازی، علیرضا نراقی،</div></div><div><div>مشهدمحمّدحسین‌افسانه‌نوری،</div></div><div><div>مهدی نصیری، بهزاد آقاچامالی</div></div><div><div>تحریریه: زهرا شایان فر، نگارخان بیگی،</div></div><div><div>محسن حسن زاده، مانده مصلّاح‌آقای،</div></div><div><div>سارا فعلی، نازا فاتحی ابرایی، شکوفه آروین،</div></div><div><div>علی منصوری، صادق رشدی</div></div><div><div>عکاس روزنامه: مانی لطفی زاده</div></div><div><div>صفحه آرا: حمیدرضا خاتونی</div></div><div><div>مترجم: علی عابدی، ارن قادرپور، اسبه مبین</div></div><div><div>حروف نگار: سمیه السادات قاضی، محدثه</div></div></div>

سلسله یادداشت‌های خواجه پامچال بور بور

ابتدای سخن

علی شمس

اصلاً انگار بنا نبوده ما شعر بگوییم و تاریخ سلاسل بنویسیم. انگار بنا نبوده ما تئاتر داشته باشیم! نکتهٔ مجهول دیگری هم هست، این که وقتی گذر

قارایی و ابن‌سینا و کلابر و بچه‌های خوب حکمت مشاء به آثار ارسطو افتاد و جناب ایشان را زیر و رو کردند و جویند و از بس خواندند، که خود ارسطو هم ماند حیران؛ چرا هیچ‌کدام از خودشان نپرسیدند که آقاچان این تراژدی چیست که باید تماشاگر را کاتارسیس کند؟! نقطهٔ بحران کدام است؟ دلستان اصلی چیست؟ نقیضهٔ قهرمان در کجایش هست؟؟ مثلاً ابوعلی‌سینا که ماشاءالله به آن همه فهم و کیاستش که پدر ارسطو را درآورد از بس آثارش را خواند؛ چطور با مقولهٔ تراژدی در آثار ارسطو مواجه نشد؟ و اگر شد چرا بی‌خیالی طی کرد و اگر طی نکرد، پس کو؟ چرا ابن‌سینا در کنار قانون و حن بی‌یقظان و اشارت و تنجیحات و شفا‌کنایی با نام تراجدی چیست ندارد؟ (و می‌دانید که در ایام دور، این حرف مهجور و خجول «ژ» کلامحلی از اعراب نداشته؛ پس حدس ما این‌است که اگر قرار بوده باشد، این واژهٔ تراژدی در قرن پنجم هجری وارد زبان باشد، حکما پایست «تراجدی» تلفظ می‌شده) یک احتمال دیگر هست و آن این‌که بوعلی‌سینا این کتاب را نوشته و از قضا حن بی‌یقظان را هم از یک رسالهٔ تمثیلی به یک نمایشنامهٔ آموزشی (پداگوژیک) درست و درمان، بر گردان کرده که منتها، قولنج امان انتشار به او نداده و روی در تربت خاک کشیده، که در این صورت کتاب مستطاب تراجدی چیست به ضمیمهٔ یک نمایشنامهٔ آموزشی، اثر شیخ‌الرئیس می‌یابد جایی حوالی همدان باشد؛ منتها هنوز کشف نشده که امیدوارکننده‌ترین پاسخ این است که بگوییم در پژوهش‌های آتی باستان‌شناسی کشف می‌شود؛ان‌شاه‌الله!

(بعدالتحریر... جان هر که دوست داری استاد! برو کج نکن که جناب پورسینا معطوف به نگارهای فلسفی بوده، با توجه به موقعیت اثیری ارسطوخان، حکما هرچه ایشان تحریر کرده، -لااقل در اوایل شناخت عمیق از ایشان- توتبای چشم آقایان مشاء بوده است. بعدش هم کلاً مقولهٔ تراژدی جالب نیست؟؟؟ چطور طب و پزشکی و گیاه‌شناسی و زیست و فلسفه و ورزش و عرفان برای ابن‌سینا جالب بوده، تراژدی که رسید، شد ناجالب!!)

در کل دوستان! با ذکر این دو نمونهٔ مهربن تاریخی، غرض این نکته بود که در طول تاریخ، ما بدو! تئاتر بدو! تا همین چندوقت پیش -زردیک صد سال پیش- که شکر خدا گرفتیمش. چه گرفتنی؟! باری بنده شواهد بی‌شماری در دست‌دارم که نشان می‌دهد موقعیت‌های بسیاری را داده که فی‌المثل فردوسی تراژدی بنویسد یا ناصرخسرو حتی! ولی بخت باری نکرده بدیختانه! و از آنجا که من محقق و تئاتر ملی را مثل محل خودمان خوب می‌شناسم؛ بنا دارم سلسله درس‌گفتارهایم را برای ثبت در تاریخ و تنویر افکار خصوصی (برای آن که عموم کاری به این کارها ندارد) به شما مشتاقان ارائه کنم. من ثابت می‌کنم که در طول تاریخ کشورمان بارها پیش‌آمده که ما لااقل برای یک‌بار هم که شده طعم داشتن یک نمایشنامهٔ تاریخی، یا یک اجرای تاریخی را بچشم‌ام افسوس! که این خواسته محقق نگشته. در یادداشت‌های آتی، شما را با نشانی‌های دهان‌دوز به این ورطه رهنمون می‌شوم. تا بعد...

۱- عزیز من! بحث آیین‌های نمایشی جداست.

۲ -خوت‌نامهٔ سلطانی هم که چشم‌گاو است پیش این همه تاریخ.

۳- یعنی قهرمان از کجامی خورد؟

